

برگزاری پکنوم و دستاوردهای آن

طی یکسال پس از نخستین کنگره سازمان در وضعیت سیاسی جامعه و چشم انداز تحول اوضاع سیاسی تغییر اساسی صورت نگرفته است بحران اقتصادی بقیه در صفحه ۲

عملکرد سازمان ، برخورد بانارسائپها و مشکلات گذشته و رهنمود برای آینده بود . در گزارش سیاسی کمیته مرکزی سازمان ، اوضاع سیاسی جامعه مورد ارزیابی قرار گرفته و گفته شده است :

پس از گذشت یکسال از اولین کنگره سازمان ، پکنوم وسیع مرکزیت ، مرکز از اعضا ، مرکزیت ، مشاورین و مسئولین بخشهای مختلف ، تشکیلات برگزار شد . دستور کار پکنوم ارزیابی



در تدارک قیام

رادر توطئه‌هایی پراز خون و آهن غرق ساخته است . بقول مارکس : تمدن و عدالت بورژوازی ، هر بار که بندگان و زجرکشانش این نظام علیه اربابانشان قیام میکنند ، در نورشوم خود ظاهر میشود . در آن وقت این تمدن و این عدالت ، صورت توحشی بی نقاب ، و انتقامی بی قانون دارند . . . بی شک تمدن عظیمی است ، تمدنی که مساله بزرگش عبارت از این است که چطور باید بقیه در صفحه ۲

چهارمین سالروز قیام ۲۲ بهمن ، قیام غرور آفرین خلق ، رادر حالی پشت سر میگذاریم که خلق در تدارک قیامی دیگر است . رژیم جمهوری اسلامی ، این حکومت جلادان ، که سازش با ارتش و امپریالیسم و تکیه عوامفریبانه بر مبارزات افتخار آفرین خلق سند تولدش بود ، آراء و رفتارند و ۱۲ فروردین بر زمینه جهل و فریب مذکور قانونی اثر و شعشیر عسای فرمایند هس اش ، اکنون ، جامعه

سی اشکال مبارزاتی
 کارگران و زحمتکشانشان
 - مهرماه ۶۰ الی مهرماه ۶۱ - ۳

اشکال مبارزات

ادامه قسمت دوم :

شیوه‌ها و اشکال مبارزه در یکسال گذشته را میتوان در موارد مختلف ، تحریم ، کم کاری ، مراجعه بمسئولین و تهیه طومار ، اعتصاب و مجازات در دوران رژیم ، جمع بندی نموده و در بررسی قرار داد .

۱ - تحریم :

تحریم به شیوه‌ها و صور مختلف همچنان گسترده ترین روش مبارزاتی است که اقتضا و طبقات خلق آنرا بکار میگیرند . تحریم متینگ ها و راهپیمائی ها ، تحریم سخنرانیها و مراسم نماز ، تحریم کمک مالی به حسابهای متعدد رژیم ، تحریم بخشنامه های رژیم (بالاخص در کارخانجات) تحریم ورزش و سرود صبحگاهی ، تحریم وطرد جاسوسان انجمن اسلامی و بخصوص تحریم انتخابات فرمایشی کارخانه ها و در مقطع اخیر رفتن به جبهه جنگ نیز تدریجا مورد تحریم (غالبا در شهرها) قرار میگیرد . در کارخانه های مختلف بی دربی از کارگران برای ثبت نام در بسیج تقاضا میشود بقیه در صفحه ۹

در این شماره

● جنبش کارگری

در صفحه ۳

● گرامی باد خاطره شهیدای به خون خفته خلق

در صفحه ۲۲

● جنبش انقلابی خلق کرد

در صفحه ۲۲

● خطاب به مبلغین

در صفحه ۱۱

یادداشت‌های سیاسی

I بورژوازی به نوکران خود هم رحم نمیکند

II عنوشاهانه امام

III شکست منقضخانه عملیات و انجمن و تبلیغات دروغین رژیم

در صفحه ۵

کمیته‌های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجان کنیم

پلنوم ...

بقیه از صفحه ۱

پیش جامعه با آن روبرو بوده است ، همچنان پابر جااست در زمین اقتصاد رژیم با وضعیت بسیار دشواری روبروست . پابرجائی رکود در صنایع ، بحران مالی ، کمبودهای ارزی ، افلاس وورشکستگی رژیم ، کمبود مایحتاج اولیه و روزمره توده های مردم تورم افسارگسیخته ، ارتش عظیم بیگاران که همگی بیانگرمق ووسعت بحران اقتصادی موجود است ، مدام شرایط زندگی توده های مردم را - در شولتر ساخته و وخامت مطلق و نسبی شرایط زندگی آنها بر حدت تضادها و میزان ناراضیاتی افزود است . ابعاد اثرات این بحران بر زندگی مردم بحدیست که بجزرات میتوان گفت طی دهه های اخیر شرایط زندگی مردم تابد بین حد وخامت بار نبوده است . رژیم جمهوری اسلامی که شاهد رشد روزافزون ناراضیاتی و اعتراض در میان توده های مردم بوده است بسرای مقابله با انفجار خشم انقلابی خلق از مدتها پیش کوشید است با تدویم جنگی مشابه مطلق در جهت انحراف توجه توده ها و انتقال بحران بخارج از مرزها و از سوی دیگر تروریسم عریان بر این بحران فائق آید . سر نیزه اشک را در دستش قرار گرفته است و حکومت نظامی اعلام نشده ای بر مردم تحمیل شده است . طی این مدت هزاران تن از پیشروترین و آگاهترین بخش توده های مردم اقدام شده یا بزند ان افتاد هاند ابتدائی ترین حقوق انسانی از مردم سلب شده و رژیم ترورو خفقان حاکم شده است .

روشن است که سیاست سرکوب و اختناق در شرایطی که فقر و فلاکت بر زندگی توده های مردم سایه افکنده است نمیتواند راه حل بحران باشد ، از همین روست که در منشی های قرون وسطائی رژیم قادر نبود است مردم را بطور کلی از زندگی سیاسی کنارزند بلکه بالعکس تضاد های اجتماعی را تشدید کرد و تا حد انفجار فشرده گرد است . تردید نیست که شدت سرکوب وجو رعب و خفقان نمیتوانست بر اشکال مبارزات توده های و وضعیت سازمانهای سیاسی تاثیر نگذارد . طی دوران پس از ۳۰ خرداد تحت تاثیر یک سلسله عوامل عینی و ذهنی تناسب قوا موقتا بنفع هیئت حاکمه برهم خورد ، بسا

دستگیری تعدد از زیاده های از عناصر پیشرو و از هم پاشیدگی تشکلهای توده های ، بی سازمانی در میان توده ها وسیع گسترش یافت . از حدود تضاد های درونی هیئت حاکمه کاسته شد ، طبیعی است که این مجموعه شرایط نمیتوانست توام با سرکوبهای دیوانه وار رژیم بر شکل جنبش اعتراضی توده ها تاثیر نامطلوب نگذارد . از همین روست که علیرغم اعتراضات و مبارزات آشکاری که طی این مدت به ویژه در میان طبقه کارگران روبرو بود ه ایم در مجموع شکل اشکار مبارزه از ابعاد وسیعی برخوردار نبوده است اما بعلمت اینکه زمینه های عینی بحران پابرجا مانده است ، تضاد های درونی گسترش یافته ، تضاد های درونی هیئت حاکمه که مدتی تخفیف یافته بود دوباره تشدید شده است و بر این پایه بحران سیاسی بسوی یک بحران پرداخته میشود . از این روست که رژیم جمهوری اسلامی و تدارک برای یک قیام مجدد همچنان در دستور کار قرار دارد . بر اساس این ارزیابی بر ضرورت مداخله هر چه فعالتر سازمان در مبارزه طبقاتی ، اجرای مصوبه کنش در جهت تبلیغ وسیع برنامه عمل و مقابله جدی با هرگونه روحیه انفعال تاکید شده است . مباحث و جمع بندی پلنوم حاکی از اینست که در زمین انجام وظایف فوری سازمان در برخی بخشهای تشکیلات ، کم کاری های محسوسی وجود داشته که ضمن برخورد قاطع با مسئولین و تمام رفقای که در انجام وظایف خود قصور ورزید هاند ، بر پایان بخشیدن فوری به این نواقص و کمبود ها تصریح شده است . بخش تشکیلاتی گزارش کمیته مرکزی سازمان ارزیابی وضعیت تشکیلاتی سازمان پس از کنش اختصاص یافته است . این دوران یکی از بغرنجترین و دشوارترین دورانهای حیات سازمان بوده است . بر اساس گزارش کمیته مرکزی سازمان ، نخستین کنشها زمان با تعیین خط و مشی تاکتیکی و استراتژیکی سازمان و کشیدن خط و مرزهای مشخص نخستین گام عملی وجدی در جهت تعیین هویت آید ثلویزیک ، سیاسی سازمان برداشت روشن است که همین نخستین گام نیز نمیتوانست واکنش عناصر اپورتونیست و حامیلین آید ثلویزیک - بیهای خرد و هبورزوائی را که مدت ها در دوران سازمان جا خوش کرده بودند بر نیانگیزد . کما نیکه تا کنون بر اساس یک نقطه مشترک ضد انقلابی دانستن حاکمیت در دوران و پیرامون سازمان جمع شده بودند حالا که پای مسائل اساسی تر آید ثلویزیک - سیاسی به میان آمد ه بود ، دیگر جایگاه خود را

در دوران سازمان نمی دیدند . واکنش گروه مستعفی ها در برابر مصوبات کنش نخستین تجلی یک جنبش عناصر و گرایشهای بود . سپس ما شاهد ابراز علنی دیدگاههای تروتسکیستی در کنش بودیم . آری یک جنبش در دیدگاههای انحرافی یک لحظه از آسمان نزول کرد ؟ پاسخ منفی است و واقعیت اینست که این انحرافات آید ثلویزیک از مدت ها قبل در دوران سازمان به شکل پوشیده وجود داشت ، اما ما در آن که سازمان خط و مرزهای صریحا مشخصی نداشت نمیتوانستند خود نمائی کنند . اما محض اینکه اولین گام در جهت صراحت بخشیدن به این خط و مرزها و هویت آید ثلویزیک - سیاسی دان به سازمان برداشته شد ، الزام و اجبار این دیدگاهها می بایستی بمخالفت برخیزند . از این رو نخستین کنشها زمان نمیتوانست منجر به تشدید اختلافات آید ثلویزیک سیاسی نگردد . اما همزمان با برگزاری نخستین کنشها زمان وضعیت جامعه و تحولات خود ویژه ای که در آن مقطع در حال وقوع بود ، بناگزیر به بروز این اختلافات دامن میزد . این یک واقعیت مسلم و بیاترید تاریخ است که هر تحول خود ویژه بناگزیر موجب تزلزلات خرد و هبورزوائی میگردد در سیرک این تزلزلات بشکل رفرمیسم و انقلابیگری خرد و هبورزوائی بروز مینماید تحول خود ویژه ای که ۳۰ خرداد ۶۰ در ایران پیش آمد ، موجب این سیرک تزلزلات گردید از این رو پس از کنش ، سازمان دوران حاد ترین اختلافات و از نظر سیاسی و تشکیلاتی یاد شوارترین ایام حیات خود روبرو بود ه است . از اواسط بهمن ماه گرایش تروتسکیستی بنایه سنت و کار همیشه این طرز تفکر بنای اخلاقی در مناسبات تشکیلاتی را گذاشت . همانطور که فقادر جریان هستند و اطلاعیه آنها این مسئله را روشن کرد این افراد از طریق برقراری مناسبات فراتشکیلاتی ، یک فراکسیون ضد تشکیلاتی ایجاد کرده و در تدارک انشعاب بودند . نخستین تجلی این اخلاقی ، خود داری حامیلین این گرایش از توزیع نشریه وید نیال آن استعفای مسئول چاپ بود . چند تن دیگر از افراد این گرایش از اواسط اسفند ماه از پذیرش مسئولیت و انجام وظایف محوله سازمانی سر باز زدند . ک.م.م . سازمان طی جلسه ای که در اواسط اسفند ماه تشکیل داد ضرورت فوری برگزاری یک پلنوم وسیع مرکزیت را بمنظور برخورد جدی با مسائل پیش آمده را تشخیص داد و زمان برگزاری این بقیه در صفحه ۱۷

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

کارکنان مبارز هواپیمائی ملی ایران:

پیروزی در مبارزه‌ای یکپارچه و متحدانه

جیش گارگری



تولید دارو

در روزدوشنبه ۱۱/۱۱/۶۱ در رابطه با یاداش اضافه تولید اعتراضی از طرف کارگران شکل میگیرد و رفته رفته ابعاد گسترده تری بخود میگیرد. یاداش اضافه تولید مبلغی است که هر شش ماه یکبار بکارگران واحد های تولیدی پرداخت میشود و میزان آن بستگی به میزان تولید بخشهای مختلف واحد تولیدی دارد. در تولید ارواکتر قسمتها هنوز حق اضافه تولید را دریافت نکرده بودند. تا اینکه روز ۱۱/۱۱ اعلام میکنند که حق اضافه تولید ۹ ماه اول سال ۶۱ - پرداخت میگرد و فیش آنرا بکارگران میدهند اما مقدار ناچیز این مبلغ که نسبت به سال گذشته نیز کمتر بود شدیداً اعتراض کارگران را برمی انگیزد. کارگران قسمت ۲ بعنوان اعتراض همه فیشها را جمع کرده و به مسئول بخش تحویل میدهند. حدود یکساعت بعد نماینده شورای اسلامی برای خاموش کردن اعتراضات و جوابگویی به این مسئله قسمت ۲ می آید اما کارگران قانع نشده و اعتراضشان بالا میگیرد. سپس کارگران از نماینده شورا میخواهند که مدییرعامل را برای پاسخگویی بیاورد لیکن مدییرعامل به بهانه داشتن جلسه از رفتن به قسمت طفره میبرد اما بالاخره با فشاری کارگران مدییرعامل را مجبور میکنند که به قسمت ۲ بیاید. در این هنگام کارگران قسمتهای مختلف از موضوع خیرد ارشد هوه می کار را تعطیل میکنند و به قسمت ۲ می آیند. حدود دو ساعت کارگران خواسته ها و اعتراضات خود را مطرح میکنند اعتراض به حق اضافه تولید، کم کم به اعتراض به چند بقیه در صفحه ۴

نهر نمی آید و باید این حقوق پرداخت شود. پایه کارکنان هم یکی دیگر از مشکلات است که در این ۲ پایه به کلیه کارکنان حق مسلم مادر این چند ساله میباشد. سپهری در پاسخ به مسائل مطروحه با بی شرمی تمام اعلام کرد که: "سرپرستان هر طور میخواهند میتوانند رفتار کنند و شما حق ندارید در مورد شان قضاوت کنید... و قرار بر این شده که کلیه کارکنان را به ۳ - دسته کنیم به این صورت که عالی، خوب و بد، به عالی و بد پایه به خوب یک پایه و به بد هیچگونه پایه‌ای تعلق نگیرد..."

در این هنگام یکی از نمایندگان کارکنان در حالی که بسیار خشمگین بنظر میرسید اعتراض کنان و بالحنی تهدید آمیز خطاب به سپهری گفت "من شخصا به شما آقای مدییرعامل میگویم که توسعه نکن بیخودی مشکلات ما را به انحراف بکشی. این باند بازی ها در بین خودتان بود و هست و بهتر است هر چه زودتر استعفای خودت را بدی و بروی والا گوشت را میگیریم و بیرونت می اندازیم زیرا تولیدات مدییرعاملی را نداری برای اینکار درست نشدی! جمع کارکنان در حالی که هیجان زده شده و به شور و شوق آمدند و حرفهای نماینده را تائید کردند و مدییرعامل در حالی که بشدت از صحبت های نماینده تعجب کرده بود، گفت: "شما گستاخانه صحبت میکنید، این چه طرز صحبت کردن است... در همین حین کلیه کارکنان حاضر در سالن پا هوی کردند و حرفهای سپهری را قطع کردند و حمایت مجدداً خود را از نماینده خویش ابراز داشتند. یکی از حاضرین در سالن از جای خود بناگهان بلند شد و با صدای بلند خطاب به دیگر کارکنان فریاد زد: "اینها (نمایندگان) حرفهای دل ما را میزنند و باید از نمایندگان خود حمایت کنیم. هر کس که پشت نمایندگان را خالی کند شرف ندارد!" موج صحیح است در سالن پیچید و در سالن ولوله افتاد. مدییرعامل هم که هوارا پس میدید از موضع تهاجمی اولیه موضع دفاع و سپس عقب نشینی کامل و فرار کشیده شد و سعی میکرد تا بقیه در صفحه ۴

مدتهاست که در هواپیمائی ملی ایران سهل انگاری، تاخیر در پروازها، خرابکاری در دستگا ههای پرواز و... چشم میخورد. از طرف مدییرعامل هواپیمائی و دیگر مسئولین رژیم، مقصر اصلی، کارکنان فنی شامل ۵۰۰ الی ۶۰۰ نفر، میباشد و سعی میکنند تا این امر را بصورت شایعه در هواپیمائی پخش کنند. از سوی دیگر، از قیام به این طرف کارمندانی فنی بتدریج از حق مسکن، حق اولاد و خواربار و... محروم گشته اند و ترفیع درجه و پایه لااخر دریافت نکردند که خود به اعتراضات شدیدی در هواپیمائی شده است.

بالاخره کارکنان فنی تصمیم میگیرند تا با برگزاری جلسه مشترکی با مدییرعامل جلوه شایعات فوق الذکر را بگیرند هم در مورد خواسته هایشان به نتیجه ای برسند. بهمین منظور اعلامیه ای از سوی آنها بر صفحه اعلانات نصب میشود و کارکنان در این اعلامیه به تجمع و گرد همائی در روز دوشنبه ۱۱/۱۱ دعوت میشوند. جلسه در ساعت ۱۰ صبح با حضور بیش از ۴۰۰ تن از کارگران و کارمندان بخش فنی در اطاق استراحت کارکنان فنی آشیانه شروع میشود. در ابتدا مدییرعامل (سپهری) شروع به سخنرانی کرد که سعی داشت با کشیدن جنگ توجیهی برای وضع موجود بید کند و در ادامه نیز کارکنان بخش فنی را از کم کاری و خرابکاری بر حذر داشت و مخالفتش را در این زمینه اعلام کرد و گفت که "دولت به ما اعتراض میکند چرا جلوی این سهل انگاریها را نمیگیرید... بعد از صحبت های سپهری، یکی از کارکنان شروع به صحبت کرد و اعتراض کارکنان فنی را چنین بیان داشت: "در هواپیمائی ملی نظم و انضباط و برنامه ریزی وجود ندارد، به این صورت که سرپرستان خود مختارند که هر کسی را که لشان خواست تغییر مکان بدهند و یا هر کس هر طور که لشان بخواهد رفتار کنند. ضمناً ما در اینجا جمع شده ایم که به مشکلاتمان بعد از انقلاب تا بحال پاسخ داده شود. مشکل عمدتاً ما بی مسکنی است که همه از آن رنج میبریم. در کنار آن کمی حقوق و کرائی ما محتاج که از عهد ما

هواپیمائی . . . بقیا از صفحه ۳

بهر بیانهای (حتی طعن زدن) سالن را ترک کند که همین کار را هم کرد. در ساعت ۱۲/۳۰ جلسه بهمین صورت خاتمه یافت و کارکنان مبارز هواپیمائی که افشاء ماهیت کثیف یکی از فعال رژیم را بنادید و عجز و زبونى او را در مقابل نیروی متحد خویش مشاهده کرد صورت دربار هجکونگی حمایت از نمایندگانشان و برای اینکه از سوی رژیم بلائی به سرشان نیاید صحبت میکردند. بدنیال این حرکت اعتراضی متحد انهوروحیه مبارزه جوانانهای که کارکنان برروز را در مورد حرکت متوقف نشد چرا که آنان مصمم بودند تا حرکت به خاموشی نراند و تا حصول به نتیجه ادامه پیدا کند. آنها پس از اتمام جلسه در نیالسه اعتراضات خود را از طریق بحث و فرستادن نمایندگانی . . . ادامه

دادند تا اینکه چهار روز بعد، سپهری از سمت خود کناره رفت و شخص دیگری بنا سپید حسن شفتی (که قبلا سرپرست شرکت هواپیمائی بریتیش ایر ویز بود) بجای او کمارده شد. بلافاصله پس از استقرار کارکنان گذاشته شد و از سوی دیگر قول ۴ پایه ترقیع به گمگمارکنان و دادن وام از طریق بودجه ۱۴۰۰ - میلیون تومانی و اضافه حقوق را در مدت گذشتگان این قرار شد تا به گمگمگم کارکنانی که منزل نیم ساخته دارند تا ۳۰۰ هزار تومان وام بانکی داده شود.

به این ترتیب کارکنان مبارز هواپیمائی با مبارزه یکپارچه خود، با حمایت کامل از نمایندگان خویش در این مرحله از مبارزه به بخش عمده خواستههای مطروحه دست یافته و موفقیت مهمی بدست آوردند. اما، آنها با بداندگی وعده و وعید رژیم سرمایه داران و عمالشان اعتمادی نیستند. چهبسا وعده های باریک و پست از

گذشت مدتی وقت روحیه مبارزاتی در میان کارکنان، همین دستاورد های مقطعی نیز از دست برود. کارکنان مبارز و آگاه هواپیمائی طی باجستی متوجه شدند که اگر با ارتقا خواستهها تحکیم وحدت در بین کارکنان و ایجاد تشکلهای لازم این شرایط، تدویم مبارزه انحصار نکند، حرکت آنها نهایتا موفقیت آمیز نخواهد بود. اگر توجه نکنند که سمت گیری تمامی این مبارزات میبایستی تا صرنکونی رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی به پیش رود و اگر ارگانهای رهبری این مبارزه در هواپیمائی یعنی کمیته های مخفی مقاومت و اعتصاب متشکل از کارگران و کارکنان مبارز آگاه بوجود نیاید، این حرکت موفقیت آمیز نخواهد بود. و هیا هنگی و روحیه قوی مبارزاتی که کارگران و کارمندان مبارز هواپیمائی طی از خود در این حرکت نشان دادند، بیقین نقش و سهم خود را در ادامه مبارزه تا صرنکونی رژیم ایفا خواهند نمود.

تولیدارو . . . بقیا از صفحه ۳

تن از اعضای انجمن از جمله رئیس امور اداری کشید و میشود کارگران مصرأ از مد بر عامل میخوانند که به این مسائل رسیدگی کنند. مد بر عامل هم که خود را در رتکنای خشم کارگران می بیند تا روز شنبه مهلت میخواهد تا رسیدگی کند. فردای آنروز فیض اضافه تولید را بکارگران میدهند و کارگران با این استدلال که: "چهبولمان را بگیریم و چه نگرییم بمصلحت رسیدگی میشود پولهایشان را در ریافت میکنند. در همین روز سه شنبه ساعت ۱۱/۵ - کارگران بملا وعده های از کارمندان جلو در سالن قسمت ۱ تجمع میکنند و خواهان اخراج سرپرست این قسمت که عضو انجمن اسلامی است میگردد. فرد مزبور بناچار از سالن خارج میشود. سپس کارگران که حدود ۱۰۰۰ الی ۱۰۰۰ نفر بودند با تکبیر و صلوات به طرف امور اداری رفته و خواهان اخراج رئیس امور اداری میشوند. عده های از انجمنی ها جلود را بستاد و از کارگران میخواهند که سرکار خود بترکند و تولید را بخواهاند اما کارگران میگویند هدف ما خواهانند تولید نیست بلکه هدف ما اخراج فلان شخص است. سپس اقدام به دادن شعارهایی از قبیل "فلانی اخراج باید گردد"، "انجمن اسلامی اصلاح باید گردد"، "فرمان هشت ماه های اجرا باید گردد" مینمایند. بالاخره رئیس انجمن اسلامی قبول میکند که رئیس امور اداری برابه مشغل سابقش که کارمند ساده بود برگرداند

سپس کارگران به سرکار خود بر میگرددند اما فردای آنروز یعنی چهارشنبه اطلاعاتی از طرف مد بر عامل مبنی بر اینکه عده های ضد انقلاب قصد دارند کار را باجوابانند منتشر میشود و از ستاد پیگیری فرمان امام خواهان رسیدگی به این مسئله میشود. از طرف دیگر کارگران نیز طوماری تهیه میکنند و در آن متذکر میشوند که بدلیل سوءاستفاده همگی از اعضای انجمن اسلامی و شماری اسلامی از موقعیت خود در فشار گذاشتن کارگران و به کارگماردن جاسوسانی که جوخفقان و وحشت را در کارخانه بوجود آوردند، از ستاد خواهان رسیدگی به این مسائل میشوند میخواهند. ستاد نمایندگانی بفرستد تا بقیه مطالب حضور گرفته شود. این طومار را اکثر قریب به اتفاق کارگران امضاء میکنند.

وظیفه عناصر آگاه و مبارز و پیشرو اینست که برای کارگران توضیح دهند، "اصلاح" انجمنهای اسلامی جز با انحلال کامل آنها و نفی شان بطور کلی قابل تحقق نیست، فرمان ۸ ماهه ای خمینی نیز در واقع فرمانی برای امتیاز دادن به سرمایه داران و علیه کارگران و زحمتکشان است و اینکه چنین فرمانی گرهی از مشکلات کارگران باز نخواهد کرد. کارگران پیشرو میبایستی با تمام توان در جهت زدودن شدن اینگونه توهمات توده کارگران نسبت به رژیم و نهاد های آن حرکت کنند و هر چه بیشتر ضمن توضیح این مسئله بیگانگی حمله کارگران را علیه کل رژیم متهم کنند.

بخشنامه وزارت کار برای جلوگیری از افزایش دستمزدها کارگران

اخیرا بخشنامه محرمانه ای از طرف وزارت کار برای مد پسران کارخانه ها صادر گردیده است. در این بخشنامه قید شده است که مد بران تحت هیچ شرایطی حق اضافه کردن حقوق کارگران را ندارند و تاکید شده است که اگر مدبری حقوق یک کارگر را اضافه کند ضد انقلاب محسوب شده و مجازات میگردد. وزارت کار رژیم جمهوری اسلامی که با تدوین پیش نویس قانون کار یکی از ارتجاعی ترین قوانین کار جهان را ارائه داده و سیاست ضد کارگریش برای تسویه کارگران بر ملا گشته است. این بار روی دست مد بران و سرمایه داران بلند شده و میخواهد آنها را از ادن اضافه حقوق بر حذر دارد. و اگر چنانچه مدبری در اثر مبارزه و فشار کارگران مجبور به اضافه کردن حقوق آنها بود، اینک با استناد به این بخشنامه بر احتی از آن طفره میبرد. وزارت کار با این بخشنامه میخواهد مد بران را با هم متحد کرده و متذکرند که کارفرمائیس در یک واحد تولیدی حقوق کارگران را اضافه کند تا مباد اسایر کارگران نیز این خواست را مطرح کنند و به مبارزهای صراسری که بزرگترین وحشت رژیم است منجر شود. اما کارگران که از این بخشنامه های محرمانه در جهت تقویت کارفرمایان فراوان دیده اند و بخوبی ماهیت رژیم را شناخته اند، مبارزهای اساسی و بی امان را پیسی خواهند گرفت.



|| عفو شاهانه "امام" ||

متصدیان امور ستاد پیگیری کوشش نمایند که با سرعت به زندانها و حال زندانیان رسیدگی نمود و کسانی که عفوشان ضروری به جمهوری اسلامی نمیخورد . . . (رسیدگی بوضعشان را) تسریع نمایند . . . لیکن با مفسدان و گروهگهای فاسد و مفسد با

شدت عمل رفتار کنند . (سخنرانی خمینی - کیهان ۹ بهمن ۶۱)

هر روز که میگذرد چهره رژیم جنایتکار و بخصوص چهره خمینی جلالت که خود را در "هاله قداسیت" و "پیا سرکونه" قرار میداد و توده های ناآگاه را میفریفت عریان تر میشود . توده های یکبار دیگر چهره جلالت را دیدند و "فرمان" او را شنیدند . اینبار رژیم از اید و آزار "امت" توسط مزدورانش نمی نالد، که خود "شدت عمل" آنان را نسبت به انقلاب بیون فرمان میداد . اینبار او در پنهان حکم اعدام و شکنجه مبارزان و فرزندان دلاور خلق را صادر نمیکرد، که آشکارا فرمان میداد تا مزدورانش نفرت انگیزترین شکنجه ها را هر چه بیشتر بر آنان روا دارند . خمینی اینبار به تعحیل آمد به بود تا مطمئن شود که از "فرمانش" سوء تعبیر نشد به باشد . آمد به بود تا هر گونه تردید و تزلزل مزدوران رژیم سرمایه داران را در اعمال فشار و شتار مردم انقلابی پایان بخشد، تا با زهم بنویسد که او در "فرمانش" "منافقین و گروهگهای محارب" (بخوان فدائی و مجاهد . . .) را "مستثنی" کرد به بود ! و اگر امتیازی هم در کار است، سرمایه داران و فراریان ، بسا و اکی ها و قاچاقچیان و منحرفین و . . . تعلق میبیرد .

آنگاه که رژیم بنا به فتاوی آشکار و پنهان خمینی ، کشتار و وحشیانه خلق را در دستور روز قرار داد به بود ، بخشی از توده ها که هنوز توهمی به خمینی نداشتند ، در مقابل بی بردن بواقعیت تلخ و جنایتکارانه رژیم ، گمان میبردند که خمینی از این فجایع آگاه نیست ! آنگاه که زندانها میرفت تا از پر شورترین جوانان خلق انباشته گرد و وسیل خون جاری شود ، توده های متوهم اطرافیان خمینی را مسئول دانستند و خمینی را بی اطلاع و "بی گناه" ! اما امروز که پرده های فریب و ریاکتار میروند و جای آن را وقاحت و بیشرمی و سرکوب عریان میبیرد ، نطق و خطاب به چاکرانشان و مزدوران رژیم به بن بست میرسد و خمینی بیشتر بقیه در صفحه ۱۶



یادداشت های سیاسی

|| بورژوازی به نوکران خود هم رحم نمی کند

مورد تعرض رژیم قرار داشت و علیرغم آن به خوش خدمتی در استان بورژوازی همچنان ادامه میداد نیز مشمول الطاف رژیم شده است !

سازمان مادر سال گذشته و پیش از وقایع سی خرداد ، در کار شماره ۱۱۲ مورخ ۱۳ خرداد ۶۰ ، ضمن افشای يك سند درونی از رژیم که حاوی طرح توطئه سرکوب گروهها و سازمانهای انقلابی و سپس دیگر جریانات موجود بود ، اعلام نمود که طبق این سند رژیم تصمیم دارد ابتدا سازمانهای انقلابی را بمثابه نیروهای بالفعل ضد رژیم سرکوب نماید و سپس بسراغ جریاناتی همچون حزب توده و اکثریت و جبهه ملی و . . . خواهد رفت . و اکنون این امر تحقق یافته است . اینکه رژیم علت دستگیری سران حزب توده را حاسوسی برای شوروی خوانده است تنها یک بهانه و توجیه احمقانه بیشتر نیست چرا که طبق سند فوق که تاریخ ۵۹/۱۱/۱۱ بتصویب سرکوب سران رژیم رسیده است گواهی روشنی بر برنامه از پیش تعیین شده رژیم بوده بقیه در صفحه ۶

رفرمیستهای خیانت پیشه ، این مزدوران بی جیره و مواجب بورژوازی ، حاکم ، سرانجام به صلخ کشیده شدند و قربانی جنایتکاری شدند که خود نیز تاکنون شریک جنایاتشان شده بود . آنها تصور داشتند که میتوانند از طریق خدمت به بورژوازی ، بقای منفعل خود را گدائی کنند . آنها از همان ابتدا ای بقدرت خزیدن رژیم جمهوری اسلامی ، در رویای واهیست گیری سوسیالیستی رژیم بسسر میبردند و برای توجیه ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی رژیم به حیلله های گوناگونی متوسل گشته و از جمله جناح "خوب و بد" برای آن میتراشیدند و بنا بر پیاگاه طبقاتی و ایدئولوژی رویزیونیستی خود ، همواره در خدمت بورژوازی حاکم قرار داشتند و رژیم جمهوری اسلامی ، هنگامیکه بانحاط مختلف از این چاکران درگاه خود سود جست ، آنان را بد و رافکنند تا همچون همیالکبها پشان تجربه تا ریخ را بار دیگر بیازمایند و فرزندان خلقمان یعنی جریانی موسوم به "اکثریت" (اعم از جناح فرخ نکهدار و کشتگر) که از دیرباز

|| شکست منتضحانه عملیات "الفجر" و تبلیغات دروغین رژیم

پیروزی بزرگ و توخالی بودن تبلیغات کرکننده آن پیش از این حمله بود که "الفجر" را حمله آخر ایران نامید و حتی رفسنجانی گفته بود که "آوارگان و مظالم عراق برای برگشتن به کشورشان آماده شوند" (کیهان - ۸ بهمن) . لیکن پس از گذشت ساعات اولیه حمله و روشن شدن نتایج واقعی آن عقب نشینی نیروهای ایران پس از کشتار و تلفات فراوان ، عقب نشینی سردمداران رژیم از راههای بیگانه خویش نیز آغاز شد . رفسنجانی این حمله را - علیرغم چند روز قبل ، "مرحله مقدماتی از مرحله اول" عملیات نامید ، مهر حسین موسوی در پاسخ سوال خبرنگاری که احتمال وجود "وقفه" در میان قسمتهای مختلف عملیات را طرح کرد به بود جواب داد که : "این عملیات ادامه ! بقیه در صفحه ۱۴

جنگ ارتجاعی ایران و عراق یکبار دیگر فعال شد و بعد هیشماری از ناآگاهترین جوانان را یکام مرگ فرو برد . عملیات "الفجر" که در ۱۷ - بهمن صورت گرفت ، در طول دو سال و نیم جنگ ، به بزرگترین شکست رژیم منجر شد چرا که برخلاف تبلیغات دروغین رژیم که سعی کرد نتیجه این حمله را پیروزی چشمگیر قلمداد کند ، بیشترین کشته و زخمی را نصیب آن کرد . تعداد کشته ها آنقدر زیاد بود که رژیم جرات نکرد به یکبار احساد رابه شهرها منتقل کند و این عمل را در روسی طولانی پیش برد تا از خشم توده ها در امان بماند و با اینکه ۲۰ روز از حمله میگذرد هنوز اجساد کشته شده گان بقدر ریخ از سردخانه هواز منتقل و تحویل خانواد هایشان میشود . نکته جالب توجه در این میان بر ملا شدن دروغ فاحش رژیم مبنی بر

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

بورژوازی . . . بقیه از صفحه ۵

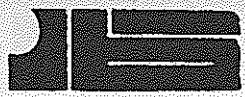
و از ماهیت طبقاتی رژیم
ناشی میشود . زمانیکه رژیم جمهوری
اسلامی بر نامه فوق را به اجراء آورد
و فعالیت تمامی سازمانهای انقلابی و
مترقی را غیر قانونی اعلام کرد (اولین
مرحله طرح) برای اینکه ظاهر
سرکوبگران خود را با ماسک " دمکراتیزم"
پوشاند نیازمند آن بود که جریانی
همچون " حزب توده " اجازه فعالیت
قانونی را در کشور تا سیاستهای فوق
را برای رژیم توجیه کند .

و ما شاهد آن بودیم که همزمان و
همزمان با روزی نامه های خیره خوار
رژیم روز نامه های وابسته به حزب
توده هم از فحاشی علیه نیروهای
انقلابی و ترقیخواه فروگذار نکردند .
اما همینکه میدانستند که تنها
منقوش شدن سنگفرش خیابانها به
خون پاک فدائیان و مجاهدین و در پی
تیروهای ریزنده خلق بود که اجازه
میداد حزب توده و همپالکها پیش
در گردایی فعالیت قانونی از حاکمیت
موفق باشند و اینگونه رژیم از آنان
بهره جست و اکنون کمربندها را بر بند
چهره کربه آشکار گشته است و دیگر
نمازی به ماسک دمکراتیزم ندارد و
در آن سود جوئی از آنها به پایان
رسیده است . رهبران خائن حزب
توده " اکثریت " که از پیرایه منسی
بد نیال سرکوب عربان و وحشیانه
رژیم . طبع غم خوش خدمت های
پنهان و آشکار ، زندگی نیمه مخفی
اختیار کرد نمودند و با توجیه قدرت
گیری با اصطلاح " جناح راست " و به
عبارت دیگر جناح حجتیه در حاکمیت ،
توده های تشکیلاتشان را شستشوی
مغزی میدادند و تحقیق میکردند ،
اینکه دیگر در بن بست آشکار گرفتار
آمد هاند چرا که از سوی جناح خوب
نیز معجزه ای بوقوع نیوست و تئوریهای
ورشکسته آنها رنگ باخته تر از پیش
رخ نمود . اگر کارنامه ۴۰ ساله حزب
توده و سیاستهای این جریان ضد
خلق را پس از روی کار آمدن رژیم
بررسی کنیم (گرچه همین سیاست در
دوران رژیم شاه نیز عیناً تکرار شده
است) چیزی جز سیاست دفاع
آشکار از رژیم جمهوری اسلامی و سرگرم
کردن توده ها به وعده اصلاحات جزئی
بعنظور کند کردن تعارض های طبقاتی
و سازش بین غارتگران خلق و غارت
شدگان را نمی بینیم . آنها در به
اصطلاح تئوریها و تزه های خود ، ابتدا
سخن از سیاست " اتحاد مبارزه " با
حاکمیت ضد انقلابی جمهوری اسلامی
را پیش کشیدند ، و هر چه پیش
رژیم بکارگران و زحمتکشان به نیروهای
انقلابی و خلاصه به دستاوردهای
قیام افزون تر شد آنها گامی به عقب

پروا نداشتند ، اینبار دیگر سیاست
" اتحاد و انتقاد " آنها انتقاد
" حدی " سخن به میان آوردند و همین
ترتیب گام به گام " سیاست اتحاد
- ارشاد و سرانجام " اتحاد با توده
یا اگر منشی ، جاسوسی و همکاری
گامی باشد انقلاب عقب نشینت و
بلخیان کارنامه ننگین و شرم آور خویش
را رقم زدند . آنها همواره کارگران و
دیگر زحمتکشان را به تمکین و انتظار
دعوت میکردند . از کارگران میخواستند
که هر چه بیشتر کار کنند و بفرمایند
تولید را افزایش دهند و در همین حال
از کلیه حقوق و مزایای خویش گذشت
نمایند تا مبارزه ضد امپریالیستی
رژیم نفع سرمایه داران بخوبی پیش
رود و در همان راه امید بند های
مخفف از " الف " گرفته تا " و " و
سرگرم میکردند و در پیوار کوچیه و
خیابانها را به اینگونه بند ها
می آراستند . بگروند انشجویان
انقلابی را که در سنگرد انشگاه بدفاع
از منافع خلق برخاسته بودند به
تسلیم و سازش با رژیم ترغیب میکردند
و روزی بر شلاق بدستان و سرکوبگران
رژیم را به رفتار ملامت متقاعد مینمودند .
انها از نیروهای انقلابی و توده های
تحت ستم میخواستند که دست از
انقلاب بردارند و حتی پارافراتر
نهاد و انقلابیون را ضد انقلاب خطاب
میکردند و زمانیکه کوس رسوائی رژیم
در جنایات و شکنجه های در سطح
جهان علنی و افشا شد ، از شکنجه گران
میخواستند که ملامت سرشکنه کنند و از
همه جا بترانند که اعمال خستنیهای
وحشیانه رژیم را نتیجه عملیات مسلحانه
نیروهای انقلابی قلمداد میکردند . ما
در اینجا به پشتک زدنها و تغییر
سیاستهای روزانه آنها نمیرد ازیم
که مشغول هفتاد من کاغذ خواهد شد .
تایید بازرگان و مدنی و نزهت و سپس عامل
امپریالیزم دانستین آنها و . . . و دیگر
برای همه آنچنان آشکار است که
احتیاج به مرور مجدد ندارد .

اما تمامی این سیاستها و کلیه نصایح
و رهنمود های آنها و همکاریهای بی
دریغشان در تایید و توجیه سیاستهای
جناپتکارانه ، استثمارگرانه و ضد
خلق رژیم موش زنیستاد . تنها تگراییان
خود آنان را نیز گرفت و سرانجام رهبران
خائن حزب توده و تعداد بسیاری از
کاررهای حزب دستگیر شدند . حزب
توده که از پیرایه منسی و مصوبات
روزیونیستی خروشچنی و مصوبات
کشره های ۲۰ و ۲۲ مینی بهره رشتد
غیر سرمایه ، گذار صالمت امپرونی
گذار قهر آمیز ، رقابت اقتصادی ، نفی
رهبری پرولتاریا در سطح ملی و . . .
در مقاطع مختلف به جنبش انقلابی
ایران خیانت ورزید و پیشا به کار گزار
بورژوازی عمل کرده است اینک خود

قربانی تزه های انحرافی خود شدند
است . اما این اولین بار نیست این
تئوریها که حزب کمونیست شوروی نیز
از آن تبعیت میکند با شکست مواجه
گشته است . و شکستی تئوریهای
فوق در سطح بین المللی و دیگر قابل انکار
نمیتواند باشد چرا که در هیچیک از
کشورهای مورد آزمایش متحقق نگشته و
حتی شکست همه جانبه آن در کلیه
کشورهایی که مورد تجربه قرار گرفته
سوسیالیستی و بویژه شوروی قرار گرفته
است ، تأثیرات مخرب و تضعیف
کننده ای بر جنبشهای انقلابی و
انقلابیون آن کشورها داشته و حتی
ارد و گام سوسیالیستی را نیز تضعیف
نموده است نمونه های برجسته شکست
قطعی این تزه در مصر ، سومالی ،
سودان ، سوریه ، الجزایر ، عراق و
بالاخره ایران آنچنان آشکار بوده
است که حتی برای مدافعین این
تئوریها قابل انکار نمیتواند باشد
بویژه در مورد رژیم جمهوری اسلامی که
ماهیت بورژوازی ، ارتجاعی و ضد
کمونیستی اش از همان ابتدا ای قدرت
گیری آنچنان آشکار بود که حتی توهمی
را که میتوانست برای منادیان این
تزه در مورد برخی از کشورهای
ناصره در برای مدتی موجود باشد ،
متصور نبود . بویژه شعارهای ضد
شوروی در کنار شعار ظاهر فریب مرگ
بر امریکا رژیم و حملات متعسدر
اوپاش رژیم بعثت وین و پوششهای
مختلف سفارت شوروی که آخرین بار
یکماه پیش صورت گرفت و تمام با آتش
زدن پرچم شوروی بود بیکبار دیگر این
توهما ت را در هم شکست حال اکثر
رژیم جمهوری اسلامی به برخی قرار
داد های ایران با شوروی و سایر
کشورهای سوسیالیستی تن داده
است تنها و تنها از زاویه حصران
اقتصاد موجود و منافع اقتصادی
بلا واسطه ایست که از این گونه قرار داد
ها عاید رژیم میشود . و اینکه این
مبادلات کاملاً پایایی بود و میزان
آن حتی با احتساب کل واردات نسبت
به زمان شاه کمتر است و عمدتاً درقبال
فروش نفت انجام میگردد و عمده
تجارت رژیم با کشورهای امپریالیستی
میباشد که از طریق خاک شوروی
ترانزیت میشوند بطوریکه میزان
ترانزیت نسبت به زمان قبل از انقلاب
دو برابر و نیم شده است .
اما اساس تئوریهای که بر اساس
آنها روابط اقتصادی شوروی و سایر
کشورهای سوسیالیستی با کشورهای
نظیر ایران توجیه میشود رقابت
اقتصادی با غرب و همچنین کمک به راه
شد غیر سرمایه داری است . اعتقاد
آنها بر اینست که خرید بورژوازی بکمک
کشورهای سوسیالیستی قادر است
سمت گیری سوسیالیستی نماید . این
تئوری تحریف بقیه در صفحه ۱۸



در تدارك . . . بقیه از صفحه ۱

تل‌های شعشی را که بوجوز آورد هاست ، پس از نبرد از سر راه بردارد . (جنگ داخلی در فرانسه) . این مغولیت قرون وسطایی این ترازوی جمهوری اسلامی ، که با شکنجه و آزار ، زندان و تبعید و کشتار های وسیع و سیما نه ، همچنان لرزان بر سر نیزه نشسته است ، هیچ راهی جز بیک قیام مسلحانه مجدداً در برابر مردم قرار نداد هاست .

ارتجاع حاکم جمهوری اسلامی شره بلا واسطه قیام نبود ، برآمد از بن قیام مسلحانه توده ها نبود . توده ها خود مستقلاً و در تقابل با خط مد اکره ازش رهبری خرد بورژوازی - بورژوازی برای انتقال مسالمت آمیز قدرت ، قیام را آغازیدند ، اما نتوانستند آن را به سر انجام قطعی برسانند . چرا که بطور کلی هر آنچه در قیام رخ میدهد و نتیجه میشود نمیتواند جدا از دوره تدارك قیام باشد . در این رابطه ، در جمع بندی از تجارب قیام در کار ۱۳۳۰ گفتیم : هر چند هر انقلابی تحول عظیمی در زندگی ملیونها تن از توده های مردم محسوب میگردد ، اما اگر زمینه های یک چنین تحولی بطور کامل فراهم نشد ، پیروزی قطعی انقلاب غیر ممکن است . این درست است که کارگران و زحمتکشان ایران با قیام مسلحانه خود رژیم شاه را سرنگون کردند ، اما این به تنهایی کافی نبود ، مسأله اساسی هر انقلاب قدرت پاسی است . ما دام که توده های مردم بر این نکته قوف و آگاه نباشند . . . انقلاب به پیروزی قطعی نخواهد رسید . این اولاً و ثانیا در هر انقلابی منظور در هم شکستن قدرت طبقات حاکمه باید ارتش و بورژوازی بشا به اهرمهای اقتدار در هم شکسته شود . . . اما از آنجا که رهبری انقلاب در دست طبقه کارگر نبود و توده های مردم بطور کامل ارتش و بورژوازی را در هم نشکستند ، رژیم جمهوری اسلامی سرعت به بازسازی دستگاه های سرکوب و مستعمری پرداخت . توده ها ، با تمام شور و شعف بجانبای وقهرمانیهایی که در قیام از خود بروز دادند ، اگر چه توانستند دامنه انقلاب را بیسی فراتر از توان و خواست رهبران گسترش دهند ، ولیکن نتوانستند به این دو ساله اساسی یعنی کسب قدرت سیاسی و در هم شکستن کامل ارگانهای سیاسی

طبقاتی بورژوازی نائل آیند . آنچه که پس از قیام ، با استقرار جمهوری اسلامی حاصل شد ، تداوم منطقی دوران - تدارك قیام بود و نیز اگر رژیم نتوانست بلافاصله دستاوردهای توده ها را پایمال نماید ، نتیجه شرکت شورانگیز توده ها در قیام بود .

بی شک طبقات و اقشار مختلف خلق با توجه به مطالبات مشخص طبقاتی و نیز مطالباتی عمومی و مشترک که آنها را در یک سمت و سو قرار داده (وعلی - الظاهر ، این عمومی و مشترک بودن مطالبات ، تفاوت های واقعی آنها را زایل میسازد) در قیام شرکت میجویند . قیام نقطه اوج یک دوران انقلابی است که مبارزات طبقاتی به اکثرین مرحله یعنی قیام مسلحانه ارتقاء می یابد . از این رو ، تدارك قیام ، بطور اعم ، عبارتست از تداوم مبارزه طبقاتی ، پیروزی در دوران انقلابی که ابعادی گسترش یابند می یابد . از این لحاظ تدارك قیام ، در سه بعد اقتصادی ، سیاسی و ایدئولوژیک جریان دارد . اما تدارك قیام ، بطور اخص و بلاواسطه بمعنای تدارك سیاسی - نظامی قیام است .

در اوج گیری مبارزات طبقاتی ، زمینی فراموش کرد که دیگر همه چیز بموشی بسته است و تاخیر در اقدام برابر با مرگ است . زمانه که نمیتوان در انتظار نشست ، و الا ممکنست همه چیز از دست برود . لنین یگروز قبل از قیام اکثر برنامه های اعضا ، کمیته مرکزی و باره ضرورت برپائی قیام ، نوشت : تاریخ ، انقلاب بیونی را که میتواند امروز پیروز شوند (و یقیناً امروز پیروز خواهند شد) ولی چنانچه کار را بفرایبندازند ، بیم آن میرود بیسی چیزها از دست بدهند ، بیم آن میرود همه چیز را از دست بدهند ، در مقابل تاخیری که روا میدارند نخواهد بخشید . اما باید اضافه کرد که هیچ انقلابی و سازمان انقلابی اگر خود را برای چنین روزهایی که همه چیز بموشی بسته است در دوران تدارك قیام آماده نکرده باشد ، نه تنها نمیتواند لحظه آغاز قیام را بیه درستی برگزیند ، بلکه در صورت آغاز قیام توسط توده ها (آنچنانکه در ۲۲ بهمن بوقوع پیوست) نمیتواند قیام را در جهت منافع تاریخی پرولتاریا و زحمتکشان رهبری کرد و بیا حتی نقشی تعیین کننده داشته باشد .

در ۲۲ بهمن ماه ، انقلاب پیروزی قطعی نرسید . چرا که در دوران - تدارك قیام ، پرولتاریا نتوانست زمینه های رهبری سیاسی - نظامی

خود را ایجاد نماید ، برعکس ، رهبرین جنبش با طرح شعارهای عمومی و مشترک بسیار مبهم و دروغیاب آلترا تریوانقلابی فعال و توده های و بیا تکیه بر توهم توده ها و اعتماد نا آگاهانه آنها ، در دوران تدارك ، رهبری سیاسی خود را بر جنبش تحمیل نمود . پیشاهنگ پرولتاریا ، طی این دوره نتوانست در جهت تشکیل صف مستقل سیاسی طبقه کارگر حرکت کرده و در جهت کسب قدرت سیاسی برنامه ریزی کند . تصرف قدرت کار قیام است . و باید از پیش در این جهت تدارك دید . زمینه های کسب قدرت سیاسی پرولتاریا ، طی یک مبارزه حاد طبقاتی و از طریق سازماندهی ، تبلیغ و ترویج وظایف انقلاب حول برنامه عمل انقلابی پرولتاریا فراهم می آید . در این پیکار ، پرولتاریا ضمن این که خود را متشکل میسازد ، مبارزات توده های وسیع زحمتکشان را (آگاهانه و اوطنیانه) در حول برنامه عمل انقلابی که مویذ منافع واقعی مجموعه ملت است ، متشکل کرده و از این طریق راه را برای کسب قدرت سیاسی در قیام هموار میسازد .

پرولتاریای آگاه برای کسب قدرت سیاسی و برقراری جمهوری د مکراتیک خلق بتدارك قیام میبرد از ، و ایمان به پیروزی را با رور میسازد ، دیگر ممکنست پیروزمندان مبارزه کرد اگر پیشاپیش از پیروزی چشم پوشیم . در عین حال شرکت پرولتاریا در قیام فقط تحت شرایط کاملاً حتمی پیروزی صورت نمیکرد ، واضح است اگر قرار بود فقط تحت شرایط کاملاً حتمی و مساعدی بمبارزه دست یازید ه شود ، آنوقت تاریخ جهان خیلی ساده بودی در دست ساخته میشد (مارکس ، نامه به کولگمان) . پرولتاریا باعث انقلابی خود و با حمایت و پشتیبانی عمیق از منافع واقعی مجموعه ملت شایستگی خود را برای امر رهبری توده ها و کسب قدرت سیاسی تدارك میبیند . در عین حال ، ضمن این که ایمان به این پیروزی را به طرفدارانش القا میکند ، حتی برای لحظه ای از شرکت در قیام به این دلیل که هنوز امر رهبری حاصل نشده است ، تردید بخورد راه نمیدهد . انگس در مورد شرکت طبقه کارگر آلمان در قیام ماه مه ۱۹۴۹ میگوید : طبقه کارگر در این قیام شرکت جست ، همچنان که در هر قیامی شرکت میکرد که یانویذ رفع برخی از موانعی را به آنها میداد که سد راه پیشرفتشان در جهت کسب قدرت سیاسی و انقلاب اجتماعی است ، بیا حداقل طبقات بقیه در صفحه ۸

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

مستفاد و کم حسارت تر
 جلوه را بچریان قطعی و انقلابی تری
 از آنچه که تا بحال دنبال کرده اند ،
 مفید میساخت . طبقه کارگر در نهایت
 آگاهی به اینکها این کمش ، از لحاظ
 هدفهای بلا واسطه آن ، بوی تعلق
 ندارد ، دست به اصلاحه برد . . . تا
 چریانات را به بحرانی بکشد که بدان
 طریق یا ملت بمقیاس نسبتا مطلوب و
 ناچار به بصیر انقلابی کشاند میشوند .
 یاد غیر اینصورت ، تا آنجا که ممکن
 است شرایط ماقبل انقلابی را احیا
 کرد هود آن وسیله انقلاب نویسی را
 اجتناب ناپذیر سازد . (انقلاب و
 ضد انقلاب در آلمان) .

بجز این باید گفت : تمام انقلابها ،
 بجای درهم شکستن این ماشین ،
 آنرا تکمیل نمود هاند . وسیع آنرا
 بر علیه انقلاب بیون بکار گرفته اند . جمهری
 اصلی در کنار بازاریارگانه های
 سابق که در انقلاب بطور قطعی در
 هم شکست ، ارگانهای جدید تکمیلی
 سرکوب را پدید آورد تا با اینصورت هر
 چه قطعی تر انقلاب بیونی را که بر روی
 شانه های وی بمنزلت رسیده بود ،
 سلاخی کند و دولت طبقاتی خود را
 استحکام بخشد .

برای اولین بار در تاریخ ، این قیام
 ۱۸ مارس کارگران و زحمتکشان پارسی
 بود که طریقتی نوین را در انقلاب پایه
 ضمه ظهور رسانید . انگلس در مقدمه
 خود بر جنگ داخلی در فرانسه ، این
 درس گرانبهای کمون را چنین جمع بندی
 میکند : کمون از همان آغاز کار بزود ی
 برد که وقتی طبقه کارگر بقدرت میرسد
 نمیتواند با دستگاه قدیمی دولت بکار
 خود ادامه دهد و بخاطر آنکه تسلطی
 را که بدست آورد هاست در و باره از دست
 ندهد ، طبقه کارگر باید از یک
 دستگاه متعدد در قدیمی را که تا آن وقت
 بر علیه خودش بکار میرفت با دست
 ببرد و از سوی دیگر برای آنکه خیالش از
 جانب نمایندگان و کارمندان خود
 راحت باشد ، میباید آنها را بدون
 استثنا و در هر زمانی قابل انفصال
 اعلام نماید . شکست کمون ، به این
 علت نبود که دستگاه قدیمی دولت
 در هم شکست ، بلکه به این علت بود که
 در این مورد بقدر کافی جلوگیری نکرده
 فرصت دادند که دشمن ، نیروی
 سرکوبگر خود را متمرکز کند ، زیرا
 نمیخواستند متهم به آغاز جنگ داخلی
 شوند ، زیرا الحظت گرانبهای را از
 گردند و بلافاصله سوی ورسای (محل
 تجمع ضد انقلاب) پیشروی نکردند .

همه انقلابها نشان میدهند که اگر
 انقلاب نتواند دستگاههای قدیمی
 دولت و مقدم بر همه ارگانهای سرکوبگر
 قهری را بطور کامل درهم بشکند ، و
 قدرت سیاسی پرولتاریای انقلابی را
 مستحکم نماید ، ضد انقلاب ، قدم به
 قدم و بنایه نیرویش ، انقلاب را عقب
 می نشاند ، تضعیف میکند ، نابود
 میگرداند و انقلاب بیون را به جوخه های
 مرگ میسپارد . این سنت جاودانه ضد
 انقلاب است . همه انقلابها ،
 انقلابهای ۵۰ - ۱۹۴۸ در اروپا ،
 کمون ۵۰ - ۱۹۰۵ و فوریه ۱۹۱۷ روسیه
 و نزدیکترین آن بیا ، بهمن ماه ۵۷
 همه و همه در آن است که دولت
 بورژوازی بمجرد آن که پرولتاریا جرات
 کند در مقابلش بقیه در صفحه ۱۵

در تدارک . . .
 بقیه از صفحه ۷

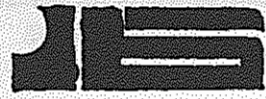
صیادت بورژوازی فقط بدست
 پرولتاریا امکان پذیر است . زیرا
 پرولتاریا آن طبقه خاصی است که
 شرایط اقتصادی زندگی ویرا برای
 اجرای این سرنگون ساختن آماده
 میکند و بوی امکان و نیروی این اقدام
 را میبخشد . بورژوازی ، در همان
 حالیکه دهقانان و کلبه قشرهای
 خرد بورژوا را متفرق و پراکنده
 میسازد پرولتاریا را بهم فشرده میکند
 و متحد و متشکل میسازد . فقط پرولتاریا
 است که در سایه نقض اقتصاد ی که در
 تولید بزرگ دارد - میتواند پیشوای
 همه توده های زحمتکش و استثمار
 شوند های باشد که بورژوازی آنها را در
 معرض انجنان استثمار و فشاری
 قرار میدهد که چمما از آن پرولتاریا
 کمتر نبود بلکه شدید تر است ، ولی
 این توده ها را توانائی آن نیست که
 مستقل در راههای خویش مبارزه
 نمایند . (لنین ، دولت و انقلاب)

آنچه که از قیام سر بر خواهد آورد ،
 در کلیت خود ، نتیجه ان وقوف و
 آگاهی است که توده ها در دوران
 تدارک قیام کسب کرده اند . اکنون
 بقول لنین "باید تمام فراکسیون خود
 را به کارخانه ها و سر بازارخانه ها و . . .

گسیل در اربع : جای وی آنجاست ،
 هذب زندگی آنجاست ، سر چشمه
 نجات انقلاب آنجاست " آنجا ما باید
 مفاد برنامه خود را توضیح دهیم و
 با تمرکز تمام فعالیت فراکسیون در
 کارخانه ها و سر بازارخانه ها . . .
 و لحظه آغاز قیام را بد رستی بر خواهیم
 گزید " (مارکس و قیام) .

صالحه اساسی هر انقلاب قدرت
 سیاسی است و پیروزی قطعی انقلاب
 منوط به کسب قدرت سیاسی از سوی
 پرولتاریا و متحدینش میباشد ، این
 اولاً . و ثانیاً ، اگر این قدرت سیاسی
 بخواید بر روی پایهای خود استوار
 شود ، انقلاب را برگشت ناپذیر نموده ،
 ضافع توده های خلق را یاسخ گفته و
 در راه سوسیالیسم گام بردارد ، باید
 دولت بورژوازی را نابود کند ، ارتش و
 بوروکراسی را بشکند ، هر مهای اقتدار
 طبقاتی بورژوازی در هم بشکند ، خلق
 را مسلح کند و ارگانهای اقتدار توده ای
 را جایگزین دولت بورژوازی بنماید .

انگلس این سخنان را در زمانی بیان
 داشت که هنوز دوران انقلابات
 بورژوازی بسر نرسیده بود ، با وجود
 این وی با ژرف اندیشی خاص یک
 در بالکتیسمین و طبقه اساسی پرولتاریا
 یعنی کسب قدرت سیاسی و انقلاب
 اجتماعی را خاطر نشان کرد و ضرورت
 پرولتاریا را در قیامی که از لحاظ
 هدفهای بلا واسطه بوی تعلق
 نداشت تنها از این لحاظ محسوس
 میداند که موانع امر رهبری پرولتاریا در
 انقلاب نوین را از سر راه بردارد . اما
 اکنون که دیگر عصر انقلابات پرولتاریایی
 از نظر تاریخی - جهانی عینیست
 یافته است ، آنچه که انگلس بیان
 داشته ضرورت عینی یافته است . در
 ایران نیز ، تجربه قیام ۲۲ بهمن ماه
 نشان داد که بدون رهبری پرولتاریا
 در انقلاب و کسب قدرت سیاسی از
 طرف وی ، انقلاب نمیتواند پیروزی
 قطعی نا امل آید . اکنون ، بطور مشخص
 علل ناگامی مطالبات توده ها و بیایمال
 شدن دستاوردهای آنها از طرف
 هیات حاکمه جمهری اسلامی که بنام
 توده ها اما بر علیه آنها قدرت سیاسی
 را قبضه کرد ، آن زمینه های مسمومی
 است که با تکیه بر آن میتوان توده ها را
 به این نکته وقوف و آگاهی داد که صاله
 اساسی هر انقلاب قدرت سیاسی
 است . اکنون بطور مشخص ، با تکیه
 بر تجارب مسموم قیام بهمن ماه ، با
 تکیه بر نام عمل انقلابی پرولتاریا ، با
 تکیه بر مبارزات پرولتاریا تحت این
 مغولیت قرون وسطائی که اثبات کرد
 مقاومترین و تنها طبقه تا به آخر انقلابی
 است و با تکیه بر . . . میتوان توده ها
 را به این نکته وقوف و آگاهی داد که
 انقلاب تنها تحت رهبری پرولتاریا به
 سر انجام قطعی خواهد رسید و تنها
 تحت چنین قدرت سیاسی است که
 مطالبات برحق آنان بطور قطعی
 بر آورده میشود . باید توده ها را به
 این نکته وقوف و آگاهی داد که سرنگونی



پورسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۱

اما کسی ثبت نام نمیکنند و رژیم بعد از استقبال مواجه است. در گزارشی از واحد در مرداد ماه ۶۱ میخوانیم: با وجود آنکه قبلا هر ماه برای تعمیرات در جبهه اکیپ های ۴۰، ۵۰ و نقره بسیج میشدند، این ماه دیگر کسی را وطلب نشد، فقط نفران انجمنی ها را وطلب شدند.

اگر در شش ماهه دوم سال ۶۰ تحریم هنوز کاملاً فعالانه اعمال نمیشد (بالاخص کارمندان محتاطانه به آن برخورد میکردند) در این مقطع تحریم بصورت فعال در اکثر نهارهای تمامی صورت میگرفت. اما بهر صورت اقشار و طبقات مختلف در مبارزه از سطوح متفاوتی برخورد کردند. اقشار رزحمتکش شهر و روستا تحریم را غالباً بصورت منفی بکار میبردند یعنی به نفع مراسم تبلیغاتی رژیم و عقیدم همکاری با مزدوران آن قناعت میکنند. حال آنکه کارگران علاوه بر آن از تحریم بصورت یک شیوه مبارزاتی برای احقاق حق خود نیز بهره میگیرند و با خودداری از انجام برخی فعالیتهای تولیدی رژیم را برای جوابگویی بخواستهایشان تحت فشار قرار میدهند.

در رزنگ سازی هیالوکس: کارگران با قطع اضافه کاری و برخی مزایای دیگر کارهای اضافی انجام نمیدهند و در مقابل انجام آن کارها خواهان حق و حقوق میباشند. کارگران یکت از بزرگترین اضافه ظرفیست بیعانه ها خودداری میکردند، آنها خواهان اضافه شدن . . . (تومان به حقوق خود هستند، پس از سه هفته این حرکت به موفقیت میرسد. در برق و انگشای راه آهن در تیر ماه عده کشمیری از کارگران بعلمت نبرد آختن حق اضافه کاری ماههای قبل، اضافه کاری را تحریم میکنند، بالاخره مد پیریت مجبور میشود حق اضافه کاری های عقب افتاد را پرداخت کند. این شیوه تحریم که در گسترده ترین و نهائی ترین شکل خود به تحریم فعالیتهای تولیدی یعنی اعتصاب ارتقاء خواهد یافت، باید در بین کارمندان نیز تعمیم یابد.

۲- کم کاری

بعد از تحریم در بین کارگسیران و کارمندان (بالاخص در بین کارگران)

عمومی ترین شیوه مبارزاتی که بصورتی خود انگیخته تعمیم یافته است، کم کاری میباشد. مادر کار ۱۴۴ با آوردن بخشی از اعلامیه انجمن اسلامی ایران ناسیونال (۶۰/۹/۱۶) - گفتیم که "قرارداد مزدوران رژیم به وجود کم کاری و زمزمه اعتصاب در کارخانجات پدیدهای فوق العاده بر معنی است که به وضوح ترین صورتش نشانگر پیشروی جنبش انقلابی است. پیشروی جنبش همچنان ادامه مییابد و کم کاری نه تنها در مزدانها در ناسیونال بلکه در تمامی واحد های تولیدی، خدماتی و اداری روز به روز گسترده تر میشود. پاییز ۶۰ از یکی از کارگران کم کاری بطور چشمگیری دیده میشود. کارگران این کم کاری را بطور آشکار نشان میدهند که هم بهرای مد پیریت و هم انجمن و سپاه روشن میباشند. بطور مثال تعمیرات کلسی در دو ستگاه حدود دو هفته عقب افتاده . . . موارد دیگر مکرراً در گزارشات ذکر شده است در سال ۱۳۶۰ کم کاری بقدری گسترده میشود که در کارخانجات برای تشبیه و ستگیری و اخراج کسانی که کم کاری میکنند بخشنامه صادر میشود. در همین مقطع یکی از مسئولین در راه آهن صریحاً اقرار میکند که برای مقابله با کم کاری در سطح کل واحد، چندین موتورسوار گذاشته که کارگران را تعقیب کنند و آنها را که از سرگارد میروند دستگیر کنند. در پنجاه تیر ماه تعداد در وفروند هلیکوپتر تحویل داد شد که نسبت به خرداد ماه که در حدود ۶ فروند بود راند مان بسیار پائین آمده است. در پاریس مثال او آخر مرداد مد پیر عامل در سخنرانیش به سرپرستها اخطار میکند که جلوی بی انضباطی و کم کاری را بگیرند. تیر ماه از واحد گزارشی داشتیم که: "با آنها همبند میروند کارگران هر بخشی بطور مداوم در روز فقط یک ساعت بیشتر کار نمی کنند و بقیه روز را بصرف غذا و خواب و صحبت کردن و فرار از کار میگذرانند. و در بعضی کارخانجات گروههایی از مزدوران بسیج تشکیل شده است تا ساعت به ساعت به بخشها سر بزنند و کسانی را که کم کاری میکنند شناسائی کنند. اما تا کتیکهای رژیم در مقابل با این شیوه مبارزه به نتیجه نمیرسد. حتی در شهریور ماه یکی از مزدوران کارخانجات در سمینار بررسی مسائل صنایع کشور ضمن سخنرانی صریحاً اقرار میکند که بیشتر از ۵۰٪ کاهش تولید بعلمت کم کاری کارگران است. رژیم که از بخش این خبر در سطح مردم وحشت دارد -

صحیت مد پیر موبوطه را در جزوه منتشره این سمینار هم سانسور میکند. حتی زمانی که جناب رئیس جمهور محبور میشود علناً از پشت تلویزیون به کم کاری اقرار کند آنرا صرفاً محدود بکارمندان میکند و میگوید: "به برادران و خواهران که در ادارات کار مردم را درست راه نمی آند از تذکره ها جدا میمانیم که اگر این وضع ادامه پیدا کند دولت مجبور میشود در مقابل این کم کاریها یک تصمیم قاطعی اتخاذ کند." (اطلاعات ۱۷ آبان ۶۱)

اما واقعیت اینست که کم کاری محدود بکارمندان نیست بلکه در سطحی بسیار گسترده تر و عمومی تر کارخانجات را فرا گرفته است. اما چه در بین کارگران و چه در بین کارمندان کاملاً خود انگیخته است. در گزارشی

از دن باکستر در همین رابطه آمده است: "کارگران با بی دقتی که بیرون میکنند. اجناس یک قسمت که بیرون رفت کاملاً خراب است اما این بی دقتی و کم کاری و از زیر کارشانه خالی کردن از روی آگاهی نیست بلکه از روی غریزه است. در همین کارخانه وقتی مد پیر وقت نهار نایب ساعت کم و در عوض زمان خروج کارگران از کارخانه را نیم ساعت کاهش میدهد کارگران گفته اند: "ما از وقت نهار کم نمی کنیم همان ساعت ۵/۴ میرویم اما میدانیم چکار کنیم!" آنها میدانند چکار کنند کم کاری میکنند، شکلی از مبارزه که پنهان است و امکان سرکوب آن بسیار محدود میباشد شکلی از مبارزه که فردا هم قابل پیش بردن است و خشم نهفته آنها را تسکین میدهد اما این شکل مبارزه علیرغم اینکه در تمامی کارخانجات و ادارات پیاده میشود ولی بدون هدف، ناهماهنگ و ناهمزمان صورت میگیرد و چشم انداز معینی در پیش ندارد. باید بر جریان کم کاری اعمال رهبری کرد و حرکتی چنین گسترده و مد پیر را در جهت ارتقاء به اعتصاب عمومی سیاسی مورد توجه قرار داد. کم کاری در سطح گسترده میتواند به تحریم تولید و توقف کامل آن یعنی اعتصاب فرا برود در هر کارخانه و با نظریه گیری شرایط مشخص مییابستی کم کاری کارگران راهما هنگ ساخته و متناسب با سطح مبارزات کارگران خواسته های مشخصی را پیش کشید و از طریق کم کاری کامل یا اعتصاب یک خواسته مشخص دست یافت.

بقیه در صفحه ۱

۴- مراجعه به مسئولین و تهیه طومار

همانگونه که در قسمت اول این مقاله گفتیم، یکی از مشخصه های بارز مقطع اخیر، تکامل اشکال مبارزاتی کارگران و افزایش نسبت اشکال پیشرفته تر مبارزه (چون کم کاری، تحمیل و تجمع، راهپیمایی و اعتصاب) در مقابل اشکال ابتدائی و فرسایشی بود. هاست. از جمله تهیه طومار و مراجعه به مسئولین برای رسیدن به خواستها، بتدریج بسیار کفایت از گذشته مورد استفاده قرار میگیرد. برای بررسی دلایل این امر میبایستی ابتدا بررسی کرد که اصولاً علت بکار بردن شیوه های مبارزاتی کارگران چه بوده و میتواند باشد. از جمله مهمترین دلایل این امر، عدم رشد آگاهی توده کارگران بحد لزوم وجود توهّم نسبت به رژیم و ارگانها و نهاد های وابسته به آن بوده است. البته فعالیت انقلابی طبقه کارگر تا مدتی پس از قیام توانست بخصوص از طریق شوراهای مترقی و انقلابی بطرز چشمگیری ادامه یابد که این مسئله سبب شد تا سردمداران رژیم ضد انقلابی نیز که همواره (حتی پیش از وقوع قیام) آزاد یکالینزه شدن جنبش و حرکت مستقل کارگران و زحمتکشان در هراس مرگ بسیر میگردند، در ابتدا در مقابل حرکتهای کارگری به سرکوب متصل شوند و آنگاه که توان خویش را، لا اقل در آن مقطع بحد نیاز برای سرکوب یکپارچه نیافتند و نیروی انقلاب هر دم بر بیکرانان ضربه میزد، تاکتیک تحمیل رانیز همچون تمامی رژیمهای سرمایه داری، در کنار سرکوب عریان، به سترده ترین نحوی بیماری گرفتند: ضمن حمله به شوراهای مترقی کارگران، بتدریج شوراهای زرد (شوراهای اسلامی) را شکل دادند یا شوراهای واقعی کارگران را بر بستر توهّم در صد بالائی از کارگران نسبت به رژیم، از درون مضمحل ساختند. اندیشه های اسلامی را بطور گسترده تشکیل دادند که از همان ابتدا ای شکل گیری بعنوان نهاد های ضد انقلابی برای تقویت عقاید، جاسوسی و سرکوب مبارزات کارگران عمل میکردند و هر گجا که از نیروهای انقلابی و مترقی و از حرکت مستقل کارگران نمودی می یافتند، یکمک پاسداران سرمایه علیه آنها و از هر طریق ممکن با ایجاد و دامن زدن به تفرقه در میان صفوف کارگران یا سرکوب عریان و خشن اقدام میکردند. زمینه ساز این موفقیت نسبی ضد انقلاب حاکم سوء استفاده رژیم از گزارشات مذہبی در صد بالائی از کارگران یا صرفاً توهّم آنها نسبت به ماهیت رژیم بود. تبلیغات ضد انقلابی و گستردگی رژیم نیز، در شرایط ضعف ویرانگی و

۵- بررسی اشکال

بقیه از صفحه ۹

در بسیاری موارد، غیاب نیروهای انقلابی و تبلیغات آنها به این امر کمک فراوانی می نمود. بخصوص پس از یورش گسترده رژیم و از ۳ خرداد به بعد، بصورت تمامی شوراهای موجود، حداقل از محتوای انقلابی تهی شده، عمدتاً ماهیتی ضد انقلابی یافته و در شمار انجمنهای اسلامی قرار گرفتند: در برخی موارد به اصطلاح در بهترین حالت به شوراهای متشکل از عناصر رفرمیست و سازشکار بدل گشتند. شوراهای زرد و انجمنهای اسلامی تا مدتی تنها توانستند تفرقه در میان کارگران را تدویم بخشند و نمایندگان سازشکار یا علناً و در حزب الهی، مبارزات طبقه کارگر را به انحراف کشانند یا لا اقل دامنهای رانقصان بخشیدند. تا مدتی هم تضاد برخی شوراهای انجمنهای اسلامی با مدیونیت بعضی آنکه زمینه ساز استفاده کارگران از تزلزل در صفوف بالائی آنها شدند (چنانکه امروز در حد بالائی جنبش است) برای دستهای از کارگران این ذهنیت را پدید آورد که شاید برخی شوراهای یا انجمنهای اسلامی در جهت منافعشان گام بردارند. اما، بتدریج کارگران دریافته اند که انجمنهای اسلامی و شوراهای اسلامی نه در جهت منافع آنان، بل در خدمت سرمایه اند و نقاب از چهره ایمن ارگانها و نهاد های ارتجاعی بر افتاد. همپا با این روند شیوه های ابتدائی حرکت کارگران چون طومار نویسی و مراجعه به مسئولین نیز، بازد و دزد شدن آخرین بقایای توهّم توده کارگران به اینگونه نهادها و راه خلهای پیشنهادی آنها و اصولاً رشد ناراضی و مخالفت آنان علیه رژیم، عدم کارائی اش را عریان ساخت و امروز در موارد بسیار کمتری از گذشته، بکار گرفته میشود.

پس، مرگ تدریجی توهّم توده کارگران نسبت به رژیم و نهادها و مزد و انش، و در عین حال تجربه عمیق کارگران که بارها و بارها و بعینه عدم کارائی تاکتیک رجوع به مسئولین و عوامل رژیم و تهیه طومار و درخواست از آنان را دیده بودند، در طی این مدت سبب شده است که گذشته از تقلیل موارد بکارگیری این روش، استفاده از روشهای پیشرفته تر مبارزه و حرکت مستقل انقلابی کارگران افزایش یابد.

۶- اعتصاب

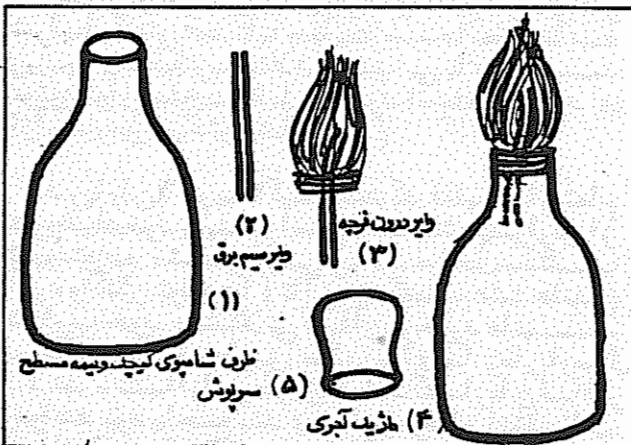
بعد از تحریم و کم کاری، اعتصاب در اشکال مستقل مبارزاتی کارگران جایگاه ویژه ای دارد. بالاخره در مقطع اخیر که کارگران بر اساس تجارب مقطع قبل، بصورت حرکات مستقل بیش از پیش میسرند. ارزیابی ذهنیت کارگران و برخورد های آنها نشان میدهد که مدتی خاصی از اعتصاب دارند و حتی اقشار عقب ماند، نیز به نقش این شیوه مبارزاتی تا حد زیادی آگاهی دارند. در یکی از کارخانجات هند امیکه خسار اعتصاب کارگران در رویدادستان بخش میشود، عدد زیادی از کارگران با خوشحالی میگفتند: "شروع شد!" در سال ۶۰ وقتی دولت اعلام کرد حقوقها اضافه نمیشود کارگری از دن با کسرت فریاد میزد که "پا زبان بی زبانه" میگویند اعتصاب کنید" و بعد از آمدن پاسدار برای کارآموزی به یک کارخانه کارگری می گفت: "چون بوی اعتصاب را شنیدند پاسدار مستقر کردند". همه اینها در ال بر شناخت نسبی کارگران از کارائی این روش مبارزاتی است و تجربه اعتصابات سال ۶۰ نیز دراز همان آنها زنده است. ولی با این وجود چنانکه آمار و گزارشات نشان میدهد، اعتصاب در این دوره در ابعاد بسیار گسترده بکار گرفته نشده است. ممکن است سؤال شود که با توجه به سابقه قبلی ذهنی و تجربه عملی کارگران در زمینه اعتصاب و اثر بخشی آن، چه عواملی در این امر دخیل هستند و چرا اعتصابات در حال حاضر بطور کاملاً وسیع بوقوع نمی پیوندند؟ ما بارها در این باره توضیح داده ایم که اعتصاب محصول مرحله معینی از رشد مبارزه است و محتاج و نیازمند پیش شرط های عینی و ذهنی معین. کارگران در مبارزه خود بتدریج اشکال پیشرفته تری را بکار میگیرند و محتوای خواستهای خویش را ارتقا میدهند. در در اینها - انقلابی بخصوص (برخلاف دوران رکود اشکال و سطح مبارزه سرعت توسعه و تکامل می یابند بویژه آنکه از سوی پیشرو هبیری و سازماندهی شوند. با این توضیح کوتاه به بررسی مختصر اعتصابات در فاصله مهر ۶۰ تا مهر ۶۱ میرد ازیم.

اعتصابات کارگری در این فاصله و خواستهای کارگران در جریان این اعتصابات، در مجموع نشان از رشد جنبش کارگری دارند. آمار و گزارشات (که فاصله زیادی با گزارشات دقیق و منظم و کامل دارند) نشان میدهد که در ۶ ماهه دوم سال ۶۰ تنها ۳۲٪ و در شش ماهه اول سال ۶۱ نزدیک به نیمی از حرکت های

خطاب به مبلغین

قسمت آخر

- ۱- ظرف (شیشه) شامپو خالی ۲- وایسر سیم برق که عبارت است از بهیرونی سیم که ماده اولیه سیم از آن خارج شده است ۳- فرچه ریش تراشی ۴- سرپوشی که انداز فرجه باشد و بتوان آن را روی ظرف شامپو محکم کرد ۵- رنگ جوهری یا رنگ روغنی.



وایسر سیم برق را درون فرچه کرد و با فرچه به درون شیشه با ظرف شامپوئی که درون آن رنگ جوهری یا رنگ روغنی ریخته‌اید محکم کنید ماژیک آجری آماده است از این ماژیک میتوان برای نوشتن بر روی سطح‌های زبر و ناصاف (مخصوصاً دیوار آجری) استفاده نمود این وسیله بعد از گذاشتن سرپوش بر راحتی در جیب یا کیف هم جای میگیرد و زحمت حمل قوطی رنگ و برس رنگ را هم ندارد. هر نوبت که این وسیله از رنگ پر شود میتوان در ده شعاع نوشت. لازم است متذکر شویم که رنگ روغنی برای استفاده بایستی به کمک نفت رقیق شود ولی چون از رنگ جوهری گرانتر تمام میشود میتوان از رنگ روغنی برای شعارها یا محورهای مهم استفاده نمود و برای شعارهایی که از نظر مضمون و محتوی کوتاه و زود گذر هستند از همان رنگ جوهری استفاده نمود که بسیار ارزان و در دسترس است.

از این وسیله میتوان برای چسب زنی نیز استفاده نمود بدین ترتیب که بجای رنگ آن را از سرپوش پر کرد و در جیب جای داد و خیلی سریع و تند تراکت را چسب زد به دیوار چسباند. در صورت استفاده از سرپوش باید وایسر درون فرچه کمی گشاد تر باشد برای بالا بردن رانندگی آن کار میتوان در فرچه با وایسر معمولی و وایسر کمی گشاد تر تهیه نمود و در هر مورد از یکی از آنها استفاده کرد.

ماژیک عمومی ترین وسیله شعار نویسی است که با آن میتوان در کیوسک های تلفن، در اتوبوسها، توالت های عمومی و... به گسترده ترین شکل شعار نوشت. بر چسب های کاغذی در شرایط فعلی بهترین وسیله شعار نویسی است که در قطعات مختلف قابل تهیه است در این رابطه علاوه بر بر چسبهای آماده میتوان از لوله های کاغذ چسب دار نیز استفاده کرد بقیه در صفحه ۱۲

شعار نویسی

در شرایط موجود که شعار نویسی به علت جو خفقان حاکم به مشکلترین صورت امکان دارد و نوشتن هر شعار سازماندهی ویژه ای را می طلبد کاملاً ضروری است تمامی نیروی قاعده تا حصول شمارهای ارگان، برنامه عمل سازمانی و نیز شمارهایی که احیاناً از سوی سازمان ارائه میشود متمرکز کرد و این شمارها را منطبق با سطح آگاهی، ماهیت طبقاتی و خواسته های اقشار و لایه های مختلف خلق در جایگاه خاص خود بکاربرد شود یعنی مثلاً شمارهای راجع به کمیته های مخفی، اعتصاب در ادارات، کارخانجات، مدارس و... حوالی آنها نوشته شود حال آنکه شمارهای راجع به کمیته های مخفی مقاومت در محلات، روستاها و پادگانها و روحانی پادگانها نوشته شود.

در مورد شعار نویسی هم مانند بخش لازم است مناطق از قبیل شناسائی شود، کاملاً پاک بود و هیچگونه ردی با خود نداشته باشید. توجیهات آماده باشد و علامت سلامتی بکار رود. با این مهم که در شناسائی قبل از عمل بهترین صورت آن است که محلکهای لازم دقیقاً مشخص شود تا با توجه به موقعیت آن محلها زمان مناسب را برای نوشتن انتخاب کرد.

در حمل و نقل وسایل شعار نویسی لازم است نهایت دقت بکار رود و در هر مورد از پوشش استفاده شود. بعنوان مثال برای توجیه ماژیک مقداری لوازم التحریر همراه ببرید و در صورت لزوم مدعی شوید که برای بچه دست یا آشنای خود خریده اید. در صورت استفاده از رنگ آنرا در شیشه یا قوطی درآورید و به همراه مقداری دیگر درو حمل کنید یا مارک روی اسپری اعوض کنید و به همراه وسایل منزل حمل کنید...

در شرایط فعلی استفاده از وسایل و اشکال قبلی برای شعار نویسی کمتر ممکن است مثلاً رنگ به علت زمان زیادی که میبرد و نیز حمل و نقل آن به ندرت استفاده میشود. باید از وسایل سریعتری استفاده کرد. شمارهای بزرگ را با اسپری یا ماژیکهای بسیار بزرگ بنویسید. در بزرگ نویسی شعارهای مهم و استراتژیک نوشته شود و محلکهایی مانند دیوارهای جنب یا مقابل صفها، کف زمین محلکهای تجمعتودهای، میادین تجمع بیکاران، کف زمینهای فوتبال نوجوانان و... مورد استفاده قرار گیرد. توجه کنید بجای استفاده از رنگ برای نوشتن شمارهای درشت و مشخص میتوان بشیوه زیر عمل کرد این شیوه کمر فکری یکی از شهرستانها ابداع کرده اند یک نمونه از آنها شیوه ایتکاری است که رفقاً میتوانند بکار گیرند.

وسایل مورد نیاز:

خطاب...

بقیه از صفحه ۱۱

پشت این کاغذها با اندکی خم شدن می چسبد و گاهی وقت علاوه بر چسب هایك اسفنج نم دارد چسب خود داشته باشید. مزیت این لوله ها اینست که میتوان در قطع های مختلف بر چسب ها را تهیه کرد.

شماره نویسی بر روی دیوارها و معا برعمومی در شرایط کنونی عمدتاً با حمایت مسلحانه و برنامه ریزیهای دقیقتر - مثلاً در تیمهایی با حمایت مونیورسوار صلح - قابل پیشبرد است (که مواردی از آن در مورد پخش اشاره شد)

در پایان لازم به تاکید است که فقط بعد از اتمام هر وظیفه خود باید در اسرع وقت به تهیه گزارشی از شیوه توزیع، شمار نویسی و... مراحل مختلف آن، واکنش توده ها (تا آن حد که متوجه شده اند) تجارب خود، مشکلاتی که با آن برخورد دارند - بپردازند و آنرا به طریق ممکن برای سایر سازمان ارسال دارند. تنها از این طریق است که سازمان قادر خواهد بود با جمع بندی تجارب رفقا و انتقال آنها، باعث ارتقاء و رشد رفقا گردد.

* * * * *

رفقا! با مطالعه و بررسی دقیق تجارب جمع بندی شده در این مقاله هر یک از شما قادر خواهید بود در رابطه با وضعیت مشخص خود در این سازمان را در خدمت امر تبلیغ برای توده ها قرار دهید. در این راه تمامی خلافت و ابتکار خود را که ویژه هر کمونیست است بکار بندید، مسلماً در این راه اشتباهاتی خواهید کرد اما هر آسانی بدل راه - ندیدید تنها با تجربه عملی و جمع بندی آن قادرید سطح عمل خود را ارتقاء دهید. اینک سرنوشت انقلاب به نیروی یک يك شما بستگی دارد، اینک انقلاب که مورد پرورش همه جانبه دارد و گاه ضد انقلاب قرار گرفته است تا آن هر يك از شما را میدان فرا میخواند. آستینها را بالا زنید. گمربند هارا محکم کنید و کاری مد اوم و بیگیر را در جهت تبلیغ اهداف و آرمانهای سازمان، در جهت بسردن آیدهای انقلابی به میان توده ها سازمان دهید.

با ایمان به پیروزی راهمان

پایان گفتار

رفقای مبلغ! اینک عهد انیم چگونه تبلیغ کنیم، چگونه متن بنویسیم، چگونه در میان چه کسانی آنرا توزیع کنیم از ضروریات امر تبلیغ است اما بیسه تمامی کافی نیست. نکته پر اهمیتش که قادر است پیشبرد امر تبلیغ از سوی هر مبلغ را مدت بخشد و در تداوم خود حرکت برانگیزد شناخت راستا

و هدف تبلیغ در مراحل مختلف جنبش است. مبلغی که بطور عمده تسلط به تمامی شیوه های تبلیغ، هدف مشخص و معینی را در فعالیت خود مد نظر ندارد هیچگاه قادر نیست از ابزار پرند های کس در دست دارد بخوبی سود ببرد. مبلغ با پسند بداند در جهت و با چه هدفی تبلیغ میکند.

زمانی که توده ها هنوز به رژیم توهم داشتند و طبقه عمده پیشرو سازمان دادن افشاگریهایی همه جانبه سیاسی و هدف عمدتاً پیشرو سلب توهم توده ها نسبت به رژیم بود از همین رو تبلیغ در این مقطع، همچنانکه در هیچ مرکز ثقل پرورش سیاسی خلق بود و جنبه عملگر در آگاه کننده تبلیغ بر جنبه سازمان دهنی آن تسلط بود. اکنون با سلب توهم توده ها از رژیم و توسعه پیش ازین اعتراضات و مبارزات توده های سازمان دادن اعتصاب سیاسی سراسری و قیام مسلحانه توده های وظیفه عمدتاً پیشرو است در این شرایط سازمان دهنی مبارزات توده های مرکز ثقل پرورش سیاسی خلق است. اگر در مقاطع قبل هدف عمدتاً تبلیغ کار آگاه کننده بود اکنون هدف در راستای عمدتاً تبلیغ امر سازمان دهنی است. مبلغین که در این مرحله هنوز وجهه عمدتاً حرکات تبلیغی شان افشاگری است مرحله ای از جنبش عقب مانده اند و نقش پیشرو را درک نکردند. اکنون مبلغ باید تمامی توان خود را در جهت توضیح و اشاعه مفاهیم دقیق و مشخص اشکال مختلف سازمان دهنی

توده های قرار داد گام به گام راه متشکل شدن و سازمان یافتن را در جریان عمل مبارزاتی به خلق بیاورد. اکنون مبلغ در هر عملگر تبلیغی خود باید به این مسأله بیندیشد که عملش بطور مشخص تا چه حد در خدمت سازمان دهنی خلق و تشکیل و توسعه کمیته های مخفی است.

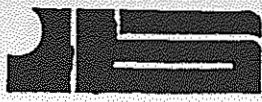
صحت های عام از متشکل شدن، از کمیته های مخفی، از اعتصاب سراسری و از قیام مسلحانه و غیره در شرایطی که خلق خود عملاً میسرود تا آنهارا تدارک ببینند و در شرایطی که خلق مبارزه میکنند و در هر گام نیازمند راهنموی های مشخص و عملی است در پی ریا سخوی وظایف پیشرو نیست. در واقع آگاهی سیاسی بخش پیشرو و خود را در توانایی آن در سازمان دهنی و شکل متجلی میسازد (گلیات آثا لنین - جلد ۹). توانایی مبلغین نیز مخصوصاً اکنون که در یتر توهم توده ها به رژیم مانع شکل آنها نیست باید در خدمت سازمان دهنی و تشکیل خلق یعنی در خدمت پیشبرد امر کمیته های مخفی قرار گیرد و این ممکن نیست مگر آنکه تبلیغ در محدوده معین، نهاد معین، جمع معین و محل معین بصورتی مستمر صورت گیرد. زیرا سازمان دهنی خلق امری

همگانی و به اصطلاح بی رویکر نیست. سلولهای اولیه سازمان دهنی هر قشر از خلق ضرورتاً باید بسر واحد معینی از جامعه استوار باشد از این روست که در شرایط فعلی تبلیغ محلی ضرورتی در وجدان می یابد. برای آنکه امر تبلیغ در خدمت سازمان دهنی مبارزات توده های قرار گیرد و مبارزات در جریان توده ها را سازمان دهد باید محلی باشد. یعنی اولاً در بخش معینی از جامعه (نهادی معین)

سازمان یابد، ثانیاً مبارزات و اعتراضات مشخص

مردم آن نهاد را

بقیه در صفحه ۱۳



خطاب

بقیه از صفحه ۱۲

سمت وسوی انقلابی و هد و ثالثا

صتمر باشد . میکوشیم با مثالهایی این امر را روشن کنیم . هسته متشکلی از رفقای موتور سوار که در هفته با تیراژ ۵۰۰ عدد اعلامیه‌هایی با مضمون عام را در محلات متفاوت توزیع میکنند ، هر چند تیراژی بالا را دارا هستند اما از آنرو که توزیعشان محدود و معینی را دارا نیست از طرفی اعلامیه‌های آنان نمیتواند از محدود و هکلی فراتر برود و به مسائل مشخص توده‌های یک نهاد معین اجتماعسی پیبرد از د ، از طرف دیگر کارشان بعلمت نداشتن محدود و معین قادر نیست از استمرار برخوردار باشد ، در نتیجه حتی نقش آگاهگرانه اعلامیه توزیع شده نیز بعلمت عدم تد اوام به امری ناچیز بدل میشود . این شکل از عمل هیچگاه در پی خود سازمانیابی مشخص توده‌ها و عمل مبارزاتی را نخواهد آورد . کمیته مخفی اعتصابی که در رینگ کارخانه مشخص به توزیع اعلامیه میبرد از اما هنوز محور اعلامیه‌های خود را افشاکری از مد پر ، انجمن اسلامی ، وزارت کار و یا حتی رژیم برمی‌گزیند ، هر چند بعلمت حرکت در محدود و های مشخص در اثر استمرار میتواند حضور خود را نشان دهد اما از آنرو که از مرحله مبارزاتی کارگران عقب مانده است ، از آنرو که هیچ پاسخ مشخصی به امر سازماندهی مبارزات کارگران و شکل تشکیل آنان جهت پیشبرد مبارزه نمی‌دهد هیچگاه قادر نیست نقش پیشرو را در کارخانه ایفا نماید ، با زغم ، علیرغم وجود کمیته مخفی ، علیرغم پخش اعلامیه و تراکت ، حرکات کارگران بصورت خود انگیزه و بدون حاکمیت عنصر آگاه بران تد اوام می‌یابد ، در این شکل از عمل بخوبی مشخص است که چگونه عدم حرکت در نهادی معین و یا تشخیص غلط محور تبلیغ قادر است نیروی پیشرو را به هرزبرد ، در مورد لزوم استمرار امر تبلیغ نیز نیازی به توضیح چند آن نیست

سه شرط مطرح شده در شرایط کنونی قادر است بر خرد و کاری مبلغین غلبه نماید . متاسفانه گزارشات متعدد دی‌گاه از عملکرد تبلیغی رفقا میرسد در وجه غالب مویده آنست که رفقا در سازمان در امر تبلیغ هیچ محدودیت و جهت معینی ندارند . در هر کجا پیش آید ! در هر زمان که بتوانند ! تبلیغ میکنند یک روز رشوش ، روز دیگر در جاده‌ها و ، روز بعد در نیروی هوایی ، یکروز پخش اعلامیه در مقابل کارخانجات ، یکروز در اتوبوس واحد و روز بعد جلوی مدارس . در این میان چه‌سا چندین گروه تبلیغ بدون اطلاع از فعالیت یکدیگر در یک محل اعلامیه پخش کنند و از آنرو که مکان مورد تبلیغ متناوباً تغییر میکنند استمراری نیز بوجود نمی‌آید و بین متون پخش شده در یک محل و همچنین بین این متون و مسائل مشخص مردم آن نهاد معین ارتباطی دیده نمیشود . به همین علت ، شاهدیم با وجود یکرفقا غالب انرژی خود را صرف قانه صرف تبلیغ میکنند اما بازتاب تبلیغ در سطح جامعه بسیار ضعیف است . بخصوص اینکه کما زمانه‌ها محور امر تبلیغ گشته است ضعف تبلیغ محلی بیش از پیش محسوس می‌باشد . در واقع مبلغ با پیشبرد امر تبلیغ بد انقلاب را در میان خلق می‌افشانند

طبیعی است اگر این بد را نه در مکان مشخص بلکه در هوا پرتاب کند و اگر آنرا بصورت متناوب آب ندهد نمیتواند محصولی برگیرد .
رفقا ! نمیتوان انقلاب را سا زمان داد مگر آنکه در وجه اول بتوان مبارزات توده‌ها در هر نهاد معین را سا زمان داد ، نمیتوان خلق را آموزش سیاسی داد مگر آنکه آنها را در نهاد های معین اجتماعی که قرار دارند آموزش داد و نمیتوان کارکرد مشخص سا زمانه‌ها در شرایط کنونی را بر دوش امر تبلیغ نهاد مگر آنکه تبلیغ را در نهاد های معین سازمان داد . از این رو در شرایط کنونی که تشکیل و توسعه کمیته‌های مخفی مهمترین وظیفه پیشرو است تبلیغ نیز باید در خدمت این کمیته‌ها قرار گیرد و هر گروه ، محفل ، هسته هوادار و هر تجمع دیگر از هواداران سنگ بنای فعالیت خود را بر پایه یک نهاد معین اجتماعی (مدرسه ، کارخانه ، روستا ، محله ، اداره ، پادگان و . . .) استوار ساخته تبلیغی مستمر ، مداوم و مشخص را حول اشکال مبارزاتی توده‌های آن نهاد متمرکز کند و در این راستا تمامی ابزار تبلیغی خود را چون بیانیه‌ها ، کمیته‌های مخفی ، بیانیه‌های با امضاء هواداران ، شعار نویسی و . . . که ما به تفصیل در مباحث خطاب به مبلغین توضیح دادیم در خدمت پیشبرد امر سازماندهی کمیته‌های مخفی بکارگیرد

نتیجه بگیریم ، تمامی رفقا که امکان تشکیل تشکلی مبارزاتی را دارند بمتاب یک وظیفه انقلابی بایستند در وجه اول محدود و معینی را برای سازمان دادن فعالیتها سیاسی تبلیغی خود برگزینند و بدین طریق جلوی هر گونه پراکنده کاری را سد نمایند سپس در روند پیشبرد وظایف خود چنانچه از حرکت شکل مبارزاتی دیگری در آن محدود و مطلع شوند وظایف خود را با آن تشکل هماهنگ سازند و در صورت امکان در اشکال متفاوت تجمع های هوادار سا زمان و یا کمیته‌های مخفی از غام شوند بدین ترتیب عملکرد سازمان را در آن محدود و خاص بشکل متمرکز پیش برد تمامی فعالیتها یی برانند هر تحت مرکزیتی واحد قرار دهند . تنها در این صورت است که سا زمان قادر خواهد شد با توزیع منظم ارگان فعالیت تمامی گروهها و هسته‌های هوادار را در نهاد های مختلف اجتماعی هماهنگ کرده سا زمان دهد . تنها در این صورت است که تمامی خلق زیر پوشش تبلیغ انقلابی قرار خواهد گرفت و تبلیغ در خدمت امر سا زمان در هی مبارزات توده‌ها ، سا زمانه‌ها یی اعتصاب سیاسی سر اسری و قیام مسلحانه توده‌ها یی به بار خواهد نشست میتوان تمام فعالیتها بمنظور هدایت توده‌ها به مرحله بر خاستن و برانداختن حکومت را اینطور خلاصه کرد : سا زمان دادن ، سازمان دادن ، سا زمان دادن . در واقع هدف

ترویج و تبلیغ سیاسی سا زمانه‌ها یی توده‌هاست . فقط با سا زمان دادن آنها به هر نحو از انحصار شرایط تعلیم آنها و استحکام قدرت عظیم انقلاب فراهم میشود . . . بنابراین تبلیغ سا زمانه‌ها یی و مبارزه‌ها یی در دست هم به پیش روند . با این هدف مشترک که ارتش سیاسی توده‌ها را برای تدارک جهش تعیین کنند و تشکیل داد و توسعه دهند (انقلاب و پیتام - مسائل اساسی و تکالیف اساسی ، لسه وان ، تاکید از ما ست) .
پایان

شکست . . .

بقیه از صفحه ۵

خواهد داشت و بصورت زنجیرهای با هم در اجرا در خواهد آمد! (کیهان - اول اسفند) و دست آخر جنس با رفسنجانی متخصص غلو و دروغ در ناپیختات جمعه اعلام داشت که: "ملت ایران خود حق را زود ندهند که همین فردا یا پس فردا قضیه تمام بشود. . . الان عراق جنگ طولانی را نصیبش اند تحمل کند!" (کیهان ۷ اسفند) غیبی با این وقاحت و بیشرمی که حرفها و وعده و وعیدهای چند روز قبل خود را نیز، سردمداران جنایتکار رژیم به این راحتی تغییر میدهند و بروی مبارک هم نمی آورند. اما ملت مبارز ایران بی میسر در رژیم آرزوی استیصال به چنین حرفهای ضد و نقیضی متصل میشود. نفرت مردم را در مقابل ادا نمیکند میبند پس وعده ها تمام سریع جنگ و "نبرد پیروزی بزرگ" را میدهد. اما وقتی شکست فاجعه میخورد سخن از پیروزی در "جنگ طولانی" بمیان می آید. اما اینهمه سیاستهای جنایتکارانه رژیم هر بار خیل عظیمی از نوجوانان - هر چند ناآگاه - میهن را بگام مرگ میکشد و گذشته از جبران ناپذیری این ضایعات انسانی، خود رژیم را نیز در رتشتنا قرار میدهد.

رژیم جمهوری اسلامی که بدلیل از دست دادن بخش وسیعی از نیرو - هایش در طول جنگ و از دست رفتن وسیع پایگاهش در طول حاکمیت نهمین چهار ساله، تا کمبود نیروی انسانی مواجه بود است، تاکنون به تاکتیکهای مختلفی برای مقابله با این کمبود متوسل شده است از همان ابتدای جنگ، هرگونه حقوق اجتماعی از جمله حق شغل، حق ادا تحصیل، حتی تحویل پایان نامه تحصیلی موکول به رفتن سربازی شد. و با تهدید و ارباب جوانان منقضی خدمت را روانه حبسه های ساختند اما از مدتی پیش یک برنامه تبلیغاتی وسیع آغاز شده است و اینبار جنگال اختاپوس بر نوجوانان مدرسه سایه افکنده است. خمینی جلالت طبق یک فتوای بیشمارانه که در روزنامه های وابسته به رژیم نجاب رسیده اعلام کرد، شرکت در جنگ یک وظیفه شرعی است و جوانان میتوانند بدون رضایت خانواده خود در آن شرکت جویند. از سوی دیگر با شستشوی مغزی و تبلیغات عوامفریبانه و تحریک احساسات مذهبی نوجوانان و حتی کودکان، آنان را به بهانه های

مختلف از جمله اعزام به اردو یا آموزش نظامی و غیره دست و پاهای خسته مردم جیبها نمود و به شتاب گوسفت در قوب بوزوازی بصلخ فرستاد. از گذشته ها پشته ها ساخت و خانواده های بسیاری را در عزای گمبای پسر سر شده شان نشان داد. اگر هیئت را و آخر جنگ جهانی دوم، زمانیکه کسود نیرو و مواجه شد بود نوجوانان و با تحریک احساسات میهنی و قومی فدای مطامع خود کرد، خمینی احساسات میهنی را با مذهب در آمیخته است و عقب ماند هترین توده ها را با اینگونه ترغیب ها به کشتن میدهد. اما اینک رژیم اینک مدرسه را هد ف امیال پلید خود قرار داده است خود قابل بررسی است. از آنجا که رژیم، پاسداری از تعلیم دید هوکار آزموه را برای سرکوب نیروهای انقلابی ترشهرها نیاز دارد، و رویسوی جوانان کم سن و سال ناآگاه آورد است. چرا که این بخش از توده ها باید لیل کم سن و تاثیر پذیری شد بد و همچنین خلافتی حاکم بر مردم است، جذب تبلیغات پوشالی رژیم میشوند و حال آنکه بدلیل وجود زمینهر شد و شکوفائی در صورت تبلیغات نیروهای انقلابی میتوانند خود به نیروی عظیمی جهت مقابله با اهداف جنایتکارانه رژیم بدل شوند.

این قربانیان ناآگاه هد ف مطامع رژیم میشوند که بخاطر کسب هژمونی نظامی در منطقه خلیج فارس و دست یافتن به اموال بزرگان آرمی منطقه، پر کردن جیب امیرالاستها و انحصارات - تسلیحاتی و بخاطر مقابله با انقلاب و انحراف افکار عمومی از مسائل اساسی برادامه جنگ پای میفشارد. ترم افسار گسیخته، بیگاری، فقر و فلاکت کمبود مایحتاج عمومی، آوارگی و بی خانمانی توده ها اختناق سیاه و گشتار در هها هزار نیروی انسانی و سرازیر شدن در سترنج توده ها بجیب انحصارات بزرگ تسلیحاتی همه و همه از دیدگاه رژیم برکات جنگ محسوب شده تاکنون هرگونه اعتراض به ناسیامانیهای موجود به بهانه جنگ از تجاعی یا گلوله، شکنجه و اعدای مهیای دسته جمعی و زندانهای طویل المدت پاسخ داده شده است.

اما طی ۵ / ۲ سال جنگ، توده های وسیعی به ماهیت ارتجاعی جنگی و سیاستهای ضد خلقی رژیم پس برده اند و دیگر فریب تبلیغات عوامفریبانه آنها را نمی خورند. اگر هنوز بخش ناآگاهی هستند که قربانی رژیم میشوند. باید هر چه بیشتر برای این بخش از توده ها ماهیت جنگی و مطامع رژیم جمهوری اسلامی را از ارامه جنگ بقیه در صفحه ۱۵

کمکهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۵۰۰۰	سیماک اصدیان
۵۰۰۰	توکل اصدیان
۵۰۰۰	محسن مدیر شانه چی
۵۰۰۰	ضمیر (مهران)
۵۰۰۰	هادی
۵۰۰۰	نظام
۵۰۰۰	اسکندر صادقی نژاد
۵۰۰۰	جهانگیر قلعه میانند آب
۵۰۰۰	سعید سلطان پور
۵۰۰۰	امیر پروین پویان
۵۰۰۰	صفود احمد زاده
۵۰۰۰	بهزین جزینی
۵۰۰۰	ن - ۵۸
۱۲۰۰۰	ب - ۸۹
۱۳۰۰۰	روستای نوال
۲۰۰۰۰	سعید - ۳۳۳
۱۶۰۰۰	مقاومت
۵۰۰۰	بهزین
۵۰۰۰	ج - ۱۰۰
۲۵۰۰۰	رمیق کاظم
۲۰۰۰۰	ن - ۳۳
۲۰۰۰۰	د - ۱۰
۱۰۰۰۰	ن - ۴۲۵
۲۰۰۰۰	ه - ۳
۱۵۰۰۰	الف - ۱۰
۵۰۰۰	ک - ۱۰۱
۱۰۰۰۰	۵۵۵
۱۰۰۰۰	س لنین ۱۳
۱۹۰۰۰	بدون کد
۷۰۰۰	شهید ای سجد سلیمان
۳۰۰۰	لنین س ۱۱۳
۲۰۰۰	ش - ۵۵۵
۲۰۰۰	۲۰
۵۰۰۰۰	بدون کد
۵۰۰۰۰	ن - ۲۸۳
۵۰۰	لیستی شامل کدهای زیر چندین ماه قبل و پیش از رسیدن به امید لیبیل وقوع ضربه ای، از زمین رفت و ما موفق به درج آنها در نشریه نشدیم. بایعوض از تاخیر در چاپ آنها، لیست مذکور را عیناً درج مینمائیم.
۱۵۰۰۰	آموزگار
۵۰۰۰۰	معلم
۱۰۰۰۰	انقلاب
۸۰۰۰	---
۲۰۰۰۰	۳۲۲
۱۰۰۰۰	۵۵۵
۴۰۰۰۰	کارگر ۷۷۷
۵۰۰۰۰	۵۵۵
۵۰۰۰۰	ت - ۳۲۹
۵۰۰۰۰	م - لاله ۵۰۱
۵۰۰۰۰	سلطان پور ۴۰۰
۱۰۰۰۰	انقلاب ۱۱۱
۱۰۰۰۰	اولدور ۱۴۵
۸۷۰۰۰	جوانان زاده
۳۰۰	ک - ۱۰۰
۵۰۰۰۰	انقلاب
۲۸۰۰۰	لنین - س ۱۱۳



در تدارك . . .

بقیه از صفحه ۸

نشان خود را بر انقلاب بکوبید ، قیام را رهبری کرد ، هو قدرت سیاسی را با کمک متحدین خود قبضه کنید ، باید همیشه و بی‌پرده در دوران تدارك قیام درك - روشنی را از آنچه که باید در قیام درهم بکوبید بشود ، و آنچه که باید بحکای منظم قدم استوار شود ، تبلیغ و ترویج کند . فقط با سازماندهی ، تبلیغ و ترویج و بسیج توده ها حول برنامه عمل انقلابی پرولتاریا است که میتوان قطعاً اعلام کرد انقلاب بازگشت ناپذیر خواهد بود ، منظم کهن درهم بکوبید میشود ، و توده ها تحت رهبری پرولتاریا قدم در راه منظم نویسن خواهند گذاشت .

شکست . . .

بقیه از صفحه ۱۴

افشارد . باید با تبلیغات آگاهگرانه از شرکت نوجوانان ناآگاه در تمامی سطوح شهر و روستا (بالاخص در سطح مدارس) جلوگیری بعمل آورد و با افشای ماهیت ضد انقلابی رژیم واهد اف پشت پرده آن بخصوص در مدارس نه تنها نوجوانان را از شرکت در جنگ برحذر داشت ، بلکه بالعکس دانش آموزان انقلابی موظفند این نیروی بالقوه انقلاب را به نیروی بالفعل تبدیل سازند و مبارز بهر علیه رژیم جنایتکار اسلامی را سا زمان دهند .

هسته های مقاومت در مدارس باید با تبلیغ بر علیه جنگ ارتجاعی و هدفهای جنایتکارانه رژیم آزادانه جنگ ارتجاعی ضمن طرح شعار صلح و مکراتیک ، نوك تیز حمله را متوجه عاظمین جنگ که در یکموی آن رژیم حاکم بر ایران است بنمایند . رفقای دانش آموز با پخش دست نویسن و نوشتن شعار ، دانش آموزان ناآگاه را که تنها تحت تاثیر تبلیغات ، صلح میروند به این امر آگاه سازند . باید ترغیب های مسئولین امور تربیتی را که در برخی موارد به بیانه بردن دانش آموزان به اردو ، آنان را بخط مقدم جبهه میفرستند افشا کرد . کشته های مقاومت محلات نیز موظفند با افشای سیاستهای ضد خلقی و جنایتکارانه رژیم ، خانواده ها را به این امر آگاه سازند تا مانع از اعزام فرزندانشان به جبهه ها و کشتارگاهها شوند .

لرزم درهم بکوبید ، ارگانهای صیانت طبقاتی بورژوازی ، آشکارا ساختند . اما از آنجا که هنوز این حس به ادراك نیانجامید بود و طبقه کارگر نیز در اس امور قرار نداشت ، توده ها بجای استقرار ارگانهای اقتدار توده های خود پرویزانه های رژیم شاهنشاهی (واله نه هنوز دولت بورژوازی) ، این امکان را ایجاد کردند که اتحاد برضند قدرت قرار بگیرد ، آنها اخلع سلاح نماید و با هر حمی جنون آمیزی از وی انتقام بگیرد .

بورژوازی ، نقش واقعی دستگاه دولتی را در حاله های از او هام پنهان میسازد و بیرون نقش ارگانهای سرکوبگر قهری را که عریانترین ارگان سیاست طبقاتی است با پرده دفاع طبسی ستور میدارد . اما ، همواره ، وقتی که کشمکش بین طبقه ملی و منافع طبقاتی بروز میکند ، حکومت دفاع ملی برای آنکه خود را به حکومت خیانت طبسی بدل کند ، حتی لحظه ای درنگ را جایز نمیداند . مارکس در مورد این خدعه بورژوازی برای وجیه المله نشان دادن ارگانهای ارتش مینویسد :
"کبون در پیشات شده است که جنگ ملی افسانه های ساخته حکومت است تا جنگ طبقاتی را به عقب بیاورد و همین که جنگ طبقاتی به جنگ داخلی تبدیل شد ، افسانه جنگ ملی از بین میروند . تسلط طبقاتی دیگر نمیتواند زیر او نه فورم ملی ، پوشیده بماند . حکومتی های همه ملت علیه پرولتاریا متحدند (جنگ داخلی در فرانسه) .

بدون درك این نقش اساسی ارگانهای حکومتی ، توده ها نمیتوانند در قیام درخرد کردن ماشین دولتی بورژوازی تا به آخر پیش روند . بدون درك این نقش اساسی راه در جهت تغییر ارگانهای دولتی با همان مضمون لیکن در قالبی دیگر بسته نمیشود . در عین حال خرد کردن ارگانهای سرکوب به تنهایی پیروزی قطعی انقلاب را تضمین نمیکند . توده ها باید به این نکته وقوف و آگاه هی داشته باشند که اگر بجای ماشین خرد شده قندیمی ارگانهای اقتدار توده های را که در قیام شکل میگیرد (و در ارتباط با دوران تدارك قیام میباشد) به یک نهاد اجتماعی تبدیل نشود ، همه چیز از دست خواهد رفت .

قیام مسلحانه نوع مخصوصی از

مبارزه سیاسی است که تابع قوانین مخصوصی میباشد و در آن باید به وقت تعمق نمود . آنچه که در قیام رخ میدهد ، انفجار مترام شد مبارزه طبقاتی است که بیرون در دوران تدارك قیام حدت و جهت می یابد . از این رو حزب پرولتاریا ، برای اینکه مهر و

بمعنوان طبقه ای مستقل منافع و مطالبات خاص خود قد علم آید و با جبر حمی جنون آمیزی از او نظام خواهد گرفت . بهمن دلیل است که پس از هر انقلاب نیمه کاره که التاریا در اس امور قرار نداشت و انبهای سرکوب در اغان نشده است ، انقلاب اولین طبقه خود را در خلع توده های می یابد . چنانکه میدانند مانع توده ها صلح هستند نمیتوانند متاورده های آنان را با زین بگیرد و نیروی نهائی آنها را در جهت کسب قدرت سیاسی مانع شود . پرولتاریا و توده های صلح قدرتی در درون دولت مارکسوند ، به این جهت ضد انقلاب خرد آنکه زیر پای خود را محکم بیاید مستین هدف خود را اخلع سلاح توده های صلح قرار میدهند . ضدا بآنکه در رسیدن هدف هر سلاحی است او علیه خلق مشروع است و لسی نوع سلاحی در دست خلق بخودی در جنایت شمرده میشود (مارکس نگ داخلی در فرانسه) . در کسبون ریس صلح ، تنها مانع جدی بر سر توطئه ضد انقلابی بود . پس پارسی بیاید خلع سلاح کرد . در اینجا

از قیام بهمن ماه ، خلق صلح ، با مانع جدی بر سر راه استقرار حکومت خلع بود ، پس میباید توده ها را خلع سلاح کرد . خمینی ، بلافاصله ، در همین روز پیروزی قیام ، فتوای خلع سلاح را صادر کرد تا راه در جهت سرکوب لاب هموار شود . انقلاب یا ضد قلاب ، نهایتاً حد وسطی وجود دارد ، اولی در خرد کردن ماشین دولتی و در قدم اول ارگانهای سرکوب قهری ، و دومی در خلع سلاح توده ها ، قطعیت می یابد .

ضد انقلاب ، همواره ، میکوشد ش دستگاه دولتی را وارونه جلوه دهد و توده ها را به تنمیت از مطامع بقات حاکمه استثمارگر وادار نماید . اما همیشه و علی الخصوص در دوران تدارك قیام ، باید پرده های بی را که بر پیشگاه دستگاه دولتی میسازد ، کنار زده ، نقش پلیس ، تش ، دستگاههای بوروکراتیک و دولتی و لوزیک دولت را برای توده ها آشکار کنیم . باید توده ها را به این نکته وقوف و آگاه هی داد که دولت ارگان بیاد طبقاتی ، ارگان ستگری یک

بقیه از صفحه ۱۴
ت که این ستگری را با تعدیل مدارات طبقات ، قانونی و استوار بسازد و ارتش دائمی و پلیس آلت بد هزور در دست قدرت حاکمه است .
لنین ، دولت و انقلاب . در ۲۲ بهمن ماه توده ها با حمله به ارگانها ، (نتریبها ، راد پوولتویزیون و . . .) طو رغریزی ، حس خود را نسبت به

عفو . . .

بقیه از صفحه ۵

و بیشتر بر روی صحنه می آید و دیگر کمترین تردید برای اکثریت وسیعی از توده ها باقی نماند که مظلوم نمایی خصمی و آشک تمساح اود روشنی پیش نیست و جز حربه ای د پیکر برای دوام حکومت سرمایه . سردمداران رژیم نیز خود در افشای چهره واقعی خویش و آنگاه که امواج سهمگین انقلاب بر پیکر افراتوشان میگوید ، ناچار به ایفای نقش میشوند : از نمایش بازید پسند لا جور دی جلاذ از خانه های تیمی کشف شده و در کنار اطفال خرد سال انقلاب بیون گرفته تا تئاتر مضحک بنام "راد گامعدل" اسلامی به بازیگری لا جور دی و گیلانی ، تاد عوت های علنی جناب رفسنجانی "ضد امپریالیست" در نمایشات جمعه از سرمایه داران و فراریان و . . . تانطق و خطاب به خصمی بر منبر جماران ، همه و همه خود افشای رژیم است . نیروی انقلاب حتی ، ضد انقلاب را در افشای چهره خویش بکار می گمارد!

آری! اینبار خصمی آمده بود تا فرمان عفو و آزادی دزدان و قاچاقچیان و ساواکی ها و دیگر عوامل سرسپرد رژیم گذشته را صادر کند ، برادامه سرکوب انقلابیون تا کید و زرد و چهره خویش را در پیشگاه توده ها عیان تر سازد . آمده بود تا ثابت کند ، آنها نگام که فرمان تشکیل و تأسیس نهاد های ضد انقلابی را صادر مینمود ، نه در جهت حفظ و حراست انقلاب که برای سرکوب انقلاب ؛ آنها نگام که سپاه و کمیته را مسلح مینمود ، نه برای کشتن ضد انقلاب که برای نشا نه رفتن قلب کارگران و زحمتکشان و همه خلقهای ایران ؛ آنها نگام که به تعداد زندانها و خانه های امن مخوف افزون میکرد ، نه برای ساواکیها و عمال سیا و وابستگان رژیم شاه ، که برای فرزندان جان برکف و دلاور خلق بود . همین انقلاب بیونی که شاه را به ستوه آوردند و اکنون خصمی را به تب مرگ در چسار ساخته اند .

خصمی میخواست فریاد زند که اگر هویداها و ناجیها و تهرانیها را اعدام کرد نه بخاطر نفرت از آنان ، بل بخاطر ترس از انقلاب بود و اگر امروز تهرانی جلاذ و آرش در ضمیمه بگورستان تاریخ سپرد نشده بودند آنان را غسل اسلامی میداد و بخدمت میگرفتند همچنانکه صد ها امثال آنها راهم اکنون بکار گمارد هاست . و هنوز زیر ایشان

د عوتنامه بخارج میفرستد تا برگردد و به اسلام خدمت کنند و تنها یک شرط کافیت : نفرت از کمونیستها و دیگر انقلابیون .

رژیم شاه ، د لیر مردان و زنان خلق را بعنوان "خرابکار" به جوخه های اعدام سپرد و رژیم خصمی نیز ادامه دهنده همان سیاست است و اصرار عجیبی در استفاده مکرر از این کلمه (خرابکار) دارد . رژیم شاه در "آبمان" دزدان و قاچاقچیان را مورد "عفو" ملوکانه قرار میداد و رژیم خصمی هم چون شاه به عفو "آمانه" آنان پرداخته تا این تفاوت که مزدوران و سرسپردگان رژیم شاه ، علویها و شیخ الاسلام زاد هان نیز اینبار مشمول "عفو" میشوند . رژیم شاه توسط عوامل ساواک که تعلیم یافتگان سیا بودند ، انقلابیون را بشیوه های آمریکائی و اسرائیلی شکنجه میداد و امروز رژیم خصمی ضمن بهره گیری از همان شیوه ها ، متدهای شکنجه قرون وسطائی و "اسلامی" را نیز بخدمت گرفته است .

اما اگر انقلابیون و مردم آگاه و مبارز در مقابل رژیم شاه به توبه نشستند و به "عفو ملوکانه" ، نه! گفتند ، خون سرخشان را تقدیم انقلاب نمودند و حماسه آفرینان زندانهای سیاه شاه شدند ، آنان "اسطوره مقاومت" در مقابل رژیم جنایتکار خصمی نیز خواهند شد . امروز می بینیم که چگونه مبارزان خلق طی چهار سال استقرار رژیم خون و وحشت ، مقاوم و سرسخت در راه آرمان والا ی خویش ، ضد انقلاب را بزانوند راورد و عاصی گردانند . اگر مقاومت و مبارزه بی پایان رسیده بسود صانعی مزدور انقلابیون را از غضب خصمی نمیتراساند که : زندانیان باید بدانند که امام همچنان مظهر غضب (بشاری تعالی) است یا اینکه : "نمیشود ضد انقلاب را با مجازاتهای . . . عادی مجازات نمود" و یا گیلانی جلاذ بانا امید ی اقرار نمیکرد که : "اینها (زندانیان سیاسی) بیکدسته ای . . . هستند که از هیچگونه کار پیرای ضربه زدن بدولت ابائی ندارند. (کیهان ۱۹ بهمن)

آری کمونیستها و سایر انقلابیون جان برکف ، ثابت گردانند که نه از غضب شاه و ساواک و نه از غضب خصمی و ساواکا و دیگر ستگاها ی سرکوبش هراس بدل راه ندارند . آنان به رژیم سرمایه داران نشان دادند که رزمشان پیگیر و عزمشان جزم و خشمشان نسبت به نوکران سرمایه بی انتهاست و تا سرنگونی رژیم و برقراری حکومت

زحمتکشان از پای نخواهند نشست پس چه باک اگر خصمی همچون شاه مبارزین و انقلابیون دربند را ، که محک و استوار انقلاب را همیای توده ها در رون زندان تداوم می بخشند ، بد شدیدترین شکنجه ها و اعدام محکوم نماید . پس چه باک! اگر حاکم سرمایه از وحشت طوفان خلق ، طوفا سرخ انقلاب ، سرنیزه های شان را برآ سازند . بگذار این نمایندگان سرمایه به آزاد سازی افراد ی سپردزند که نتنها ضرری برای جمهوری اسلام ندارند بلکه برای برآوردن امیسا سرمایه داران نیز مفید خواهند بود زیرا که متاع سرمایه داران باید بدست همین افراد به بازار آید!

اما ، کدامین شکنجه و اعدام میتواند مانع از قهر انقلابی توده گردد . کدامین کشتار و تازیانی میتواند ، خلق عاصی از فقر و فشار پرکین از سرمایه داران و استثمار را حرکت در راه سرنگونی رژیم بازدارد مگر نه آنکه خون مبارزان و انقلابیون به گردش چرخهای عظیم انقلاب شتاب بیشتری میبخشد .

پس آزاد ی زندانیان سیاسی انقلابی ، نه فرمان خصمی ، که بفرما خلق ، نه بفرمان رژیم سرمایه داری ، بفرمان پرولتاریا و زحمتکشان ایران متحقق خواهد شد . انسان که در قیام دیدیم ، و برای باری دیگر ، در زندانهای سرمایه بدست پرستو توده ها گشود خواهد شد و رژیم در برابر آد هیولا دین خلق ، بزاند خواهد افتاد .

این فرمان تاریخ است و اراده توده هاست که به اجراء خواهد آمد . اما اینبار زیر پرچم خونین پرولتاریا قهرمان باسروود هائی بر لب ، رهاک فرزندان دلاور خلق از بند بند سیا چاکهای رژیم ، رهائی همه کارگران و زحمتکشان از فقر و گرسنگی ، از است سرمایه . بگذار مزدوران سرمایه به عفو شاهان قمام د کخوش کنند ، مردم آنان فرامیرسد .

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید



جلسه را ۷ فروردین ماه
 بن نمود. اما پیش از برگزاری این
 به هر چه و مرج تشکیلاتی و
 سبات محفلی نتایج فاجعه انگیز
 را به بار آورد. احمد خائن بر
 ف و ستورات صریح مرکزیت
 زبان در ضمن تماس با خانواده اش
 نگیر میشود و بد نبال آن باد سنگیری
 یارت تعدادی از اعضا و مسئولین
 مان و اعضا مرکزیت و متلاشی
 ن بخش اعظم امکانات مالی، چاپ
 ارکات سازمان ضربه های بسیار
 بین به سازمان وارد آمد. ضربه
 ند بیانگر این واقعیت بود که نبود
 حاکم سیاسی آید ثلوثی و
 نیلاتی چگونه موجب ضربه پذیری
 و در پس از ضربات نیز این عناصر
 ن اخلاقی را اگر در اند. آنها
 ستار تشکیل فرآکسیون شدند -
 عم اینکه رکنگره فرآکسیون شد پدا
 نوم شد بود. در این مقطع تمام
 ن مرکزیت این بود که انشعاب
 رسی صورت نگیرد اما در عین حال
 تقابل این خواست آنها قاطعانه
 نتاد و نظرات و اعمال آنها را در
 ح تشکیلات افشا کرد. و از م. ۱۰
 فاع نمود. این حرکت نتایج -
 نی بد نبال داشت بطوریکه جز
 سا زمان کسی هواد از نظراتشان
 و این گرایش که دریافت بود دیگر
 بگاهی در درون سازمانند ارد در
 اه طی یک اعلامیه جداگانه خود را از
 مان اعلام کرد. طبیعی است که
 ین دوره یعنی از ضربات تاثیر ماه
 ها سازمان نتوانست در جهت
 ف انقلابی خود گامهای اساسی
 ارد بلکه بدلیل روابط محفلی
 نیاطات غیر تشکیلاتی آنها امکان
 مازی اصولی نیز نبود. پس از تیر
 سازمان چند حرکت مثبت انجام
 ۱- اطلاعیه مبنی بر سلب
 ولیت های آنها در سازمان و اقدام
 م جهت پیشبرد کار مرکزیت.
 انتشار مجدد نشریه کارپس از
 مازی این بخش و گزارش بینه
 در ان در مورد ضربات و انشعاب
 جریان ضد تشکیلاتی تروتسکیستی.
 تصمیم گیری قاطعانه بر روی مسائل
 م تشکیلات و بازسازی بخشهای
 سکیلات که ضربه خورد. و
 یایی وضعیت بخشهای مختلف
 نیلات. ۴- تعیین زمان برگزاری
 م و ارائه برنامه پلنوم ۵- شرکت
 ال در جنبش انقلابی خلق کسر
 حرکت در جهت انطباق
 نیلات با اساسنامه ۷- توجه
 تریه تشکیلات خارج از کشور. پلنوم
 ام رفقای مرکزیت مبنی بر سلب
 ولیت از عناصر ترور تسکیست و

پلنوم . . .

بقیه از صفحه ۲

اقدام لازم جهت پیشبرد کار مرکزیت
 ز در آن مقطع بحرانی، اقدامی بجا و
 گامی انقلابی داشت. در زمینه
 نارسائی هایی که در این دوره سازمان
 با آن مواجه بود است در بخشهای
 مختلف ایجاد متفاوتی داشته است.
 بخش کارگری سازمان و مسئولین این
 بخش در این دوره نتوانستند فعالانه
 وظایف خویش را در رقابت جنبش به
 انجام رسانند در زمینه کمیته های
 مخفی اعتصاب حرکت محسوس
 صورت نگرفت وظایف تبلیغی در این
 بخش از حد تکثیر و توزیع نشریه کار و
 برخی نوشته های دیگر فراتر نرفت
 کمیته کارگری شرکت فعال در مبارزه
 طبقاتی نداشته است و در عمل بقای
 اضفعل را جایگزین بقای رزمند کرده
 است پلنوم در بررسی وضعیت کمیته
 کارگری به جمع بندی زیر رسید: این
 کمیته نتوانسته است نقشی و اهمیتی را که
 باید در جنبش طبقه کارگر و رهبری عملی
 مبارزه طبقاتی پرولتاریا داشته باشد
 ایفا نماید. کمیته کارگری به بی عملی
 مبتلا بوده در چار خرد ه کاری شده و به
 مبارزه سیاسی بهای لازم را نداشته -
 است و بعضی شرکت در مبارزه طبقاتی
 و رهبری عملی این مبارزه نباله روی
 از سیر حوادث پر داشته است. در
 عرصه تشکیلاتی از یک سازماندهی
 منسجم و مستحکم پرولتری برخوردار
 نبود است. کمیته کارگری نتوانسته
 است تئوری و تاکتیک انقلابی را جذب
 و هضم و مرحله اجرا در آورد از اینرو
 بمنظور مبارزه با انحرافات و اشتباهات
 این کمیته ضروریست که در عرصه های
 تئوری و پراتیک اقدام زیر عملی گردد:
 ۱- آموزش، تئوریک، آموزش برنامه و
 تاکتیکهای سازمان، آموزش جزوه
 هسته های سرخ و وظایف سوسیال
 د مکررهای روس، چه باید کرد. ۲-
 برخورد انتقادی کمیته نسبت به عملکرد
 یکساله خود، مبارزه با خرده کاری و
 د نباله روی از سیر حوادث ۴- برقراری
 یک ارتباط نزدیک با واحدهای یائینی
 وارگانهای بالای ۶- تلفیق صحیح
 کار عملی و مخفی ۷- ضرورت وحدت و
 انسجام کمیته.

در بخش کمیته های مقاومت و جوخه
 های رزمی، بد نبال ضربات بی در
 پی در این بخش عمدتاً پس از تیر ماه
 در جهت بازسازی و سازماندهی مجدد
 حرکت کرده است و تاکنون فعالیت
 این بخش در مجموع منطبق با وظیفه

کنونی سازمان پیش رفته است. شاخه
 کردستان در این دوره توانسته است
 علاوه بر شرکت در مبارزات خلق کرد،
 با انتشار خبرنامه ها و تکثیر مجدد نشریه
 کار و همچنین اخیراً انتشار نشریه محلی
 ریگای گهل و وظایف خویش را با انجام
 رسانده است. شاخه شمال بدلیل
 اینکه پس از کنگره یکی از عناصر وابسته به
 جریان ضد تشکیلاتی تروتسکیستی
 مسئول این بخش بود و بدلیل تاثیرات
 مخرب این جریان، پس از ضربات
 دست به یک سلسله اخلاقی هادر
 مناسبات سازمان زدند که مسئول این
 اعمال کمیته شمال بود است و تشکیلات
 شمال در این نقشی نداشته است و -
 ناگاهانه مجری کمیته بوده است. حتی
 چند جزوه که حاوی نقطه نظرات انحرافی
 آنها بود بدون اجازه مسئول م. ۱۰ ع
 در سطح شاخه منتشر کردند. دامن
 زدن به روحیه بی اعتمادی و سرخوردگی
 در تشکیلات از دیگر اعمال آنها بود.
 است حتی پس از انشعاب جریان
 تروتسکیست از سازمان در تیر ماه،
 در سطح فعالیت تبلیغی نیز وظایف
 خود را با انجام نرساند. پس از بررسی
 و جمع بندی حرکت آنها، سازمان
 مسئول جدیدی برای شاخه تعیین و با
 مسئول گذشته شاخه برخورد لازم و در
 عین حال سازنده ای صورت گرفت. در
 بخشها و مناطق دیگری که در حیطه
 فعالیت سازمان قرار دارد جمع بندی
 پلنوم بر تمرکز عمد نیرو در بخش کلگری
 و سازماندهی و تشکیل کارگران تصریح
 دارد. رهنمود پلنوم در رعایت
 محوری ترین امر در زمینه تشکیلات
 تلفیق درست کار عملی و مخفی بر اساس
 رهنمود های کمینترن و در نظر گرفتن
 شرایط ویژه ایران است.

با توجه به مسائل تشکیلاتی و مشکلاتی
 که طی این مدت سازمان با آن مواجه
 بود است روشن میکرد که تنهائی
 و در راه اخیر یعنی پس از تیر ماه تاکنون
 سازمان نتوانسته است تا حدی بجلو
 گام بردارد و خود را برای شرکت در
 مبارزه طبقاتی آماده سازد.

پلنوم در بحث پیرامون مسئله
 سازماندهی به نکات زیر تاکید کرد:
 سازماندهی باید ضمن اینکه سمیت
 گیری حزبی داشته باشد، باید به
 نیازهای دوران گذار به حزب پاس
 مثبت دهد، با شرایط اختناق منطبق
 باشد، با نیازهای دوران انقلابی
 تطابق داشته باشد و همچنین بتوان
 ظرفیت سازمان همخوانی داشته
 باشد و از چنان انعطافی برخوردار
 باشد که در یک شرایط ویژه یعنی در
 اوج گیری بقیه در صفحه ۱۸

مرجه گسترده تریاد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

پورژوازی . . . بقیه از صفحه ۶

آشکارا تزئینی راه رشد
خبر سرمایه داری تحت رهبری پرولتاریا
میباشد . . . لنین معتقد بود که کشور های
عقب ماندگار تحت رهبری پرولتاریا
انقلاب نمایند قادرند بدون گذار از
مرحله سرمایه داری به سوسیالیسم گام
نهند . اما تزویزیونیستی خروشیچی
۳۴ عمل هژمونی جهانی پرولتاریا را
می پذیرد و مسئله رهبری پرولتری در
سطح ملی را نفی میکند اما نکته جالبتر
اینکه وقتی ورشکستگی این تزهها در
کشور های عقب ماند هود ریث ساخت
نیمه فئودال نیمه مستعمر منظر
الجزایر ویا کسب قدرت توسط خرده
پورژوازی و گذار سریع آن سوی پورژوازی
آشکارا میشود آنها بار دیگر در یک
کشور یا ساخت سرمایه داری وابسته
وابسته ویا حاکمیت خرده پورژوازی -
مره که با پورژوازی متوسط سازش
کرد هود قدرت را بد آن سپرده است
روپای سمت گیری سوسیالیستی را
میجویند بعلاوه چگونه ممکنست
خرده پورژوازی مره که در قریب نزدیک
با پورژوازی قرار دارد سمت گیری
سوسیالیستی نماید آیا این امر نفی
فلسفه وجودی خود این قشر محسوب
نمیشود ؟ و اما در مورد رقابت
اقتصادی با غرب باید گفت که تجارب
تاریخی تا کنون نشان داد هکه روابط
شوروی و سایر کشورهای ارد و گناه

سوسیالیستی کوچکترین تأثیری در
وابستگی کشورهای تحت سلطه به
سرمایه جهانی نداشته و یا حد اکثر
تأثیری فوق العاده ناچیز غیر تعیین
کننده داشته است . ما
در کار شماره ۱۱۹ مورخ ۳۱ تیر ماه
۶۰ در یک مقاله تحلیلی به بررسی
مناسبات اقتصادی ارد و گناه
سوسیالیستی با رژیم جمهوری اسلامی
پرداخته و نوشته بودیم : " اتخاذ
چنین مواضع انحرافی در سیاست
خارجی شوروی و برخی دیگر از کشورهای
سوسیالیستی . . . نمود مشخص
برایش رویزونیستی حاکم بر احزاب
آنهاست و در این مقاله مجال بحث
بیشتر در این مورد نیست و ما در اینجا
مطلب را با اشاره به موضع گیری پر اودا
در مورد دستگیری سران حزب توده
به پایان میبریم .

روزنامه پر اودا ، ارگان حزب
کمونیست شوروی در هفته گذشته ضمن
تعریف و تمجید از سابقه مبارزات
درخشان " حزب خائن توده و
اظهار تاسف از دستگیری سران آن ،
این مسئله را ناشی از قدرت گیری محافل
مرجع محافظه کار پورژوازی طرفدار
غرب دانست ، این در حالیست که
شوروی در مقابل سیاستهای ضد
د مکتب و کشتارهای دسته جمعی
انقلابیون و شکنجه های وحشیانه رژیم
علیه انقلابیون ایران همچنان سکوت

کرد هاست . پر اودا در این مقاله
قدرت گیری روز افزون این محافل
سخن گفته است و از توقف فعالیتها
رژیم در خدمت توده های زحمتکش
باید پرسید بواقعی چهار سال
حکومت جنایتکارانه این رژیم کدا
اقدام آن در خدمت زحمتکشان بود
بتوان از "توقف" این اقدامات
گفت و تازه باید پرسید این محافل
و پورژوازی طرفدار غرب چگونه بد
سرعت رشد می یابند و مواضع کلیدی
به گفته خود تحلیل گران شوروی قبض
میکند . آیا این جریانات بناگاه
خلق الساعه سر از زمین بد آورده اند
به اعتقاد ما این شیوه برخورد نادر
گرفتن واقعیت ارتجاعی رژیم جمهوری
اسلامی و اپورتونیسم بیگران جریانات
چون حزب خائن توده است ، نادرید
ترفتن تلاش خستنی ناید پرومبارزه ها
و هزاران کمونیست و انقلابی در بر علیه
رژیم سرمایه داران و امپریالیسم
جهت برقراری حاکمیت کارگران
زحمتکشان ایران است . این یعنی تا
کوشش فدائگران برای توسعه جنبش
انقلابی و مبارزه انقلابی در هر کشور و
حمایت . . . از این مبارزه و همین خ
سپرد تمام کشورهای (لنین) ، این
یعنی نادرید هک رفتن ضرورت های انقلاب
در ایران و نقض آشکار انترناسیونالیسم
پرولتری از دیدگاه مارکسیسم -
لنینیسم .

پلنوم . . . بقیه از صفحه ۱۷

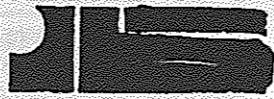
جنبش توده های بتوانست
وسیعترین اقشار خلق را رهبری نماید .
پلنوم وسیع مرکزیت بمنظور رفع هر
گونه ابهام و برداشت نادرست از
قطعنامه کنفرانس پیرامون برخورد حزب
توده ها اکثریت ضروری دید که به این
بند قطعنامه صراحت بخشد . کنگره
سازمان بر اساس محتوای طبقاتی
احزاب و گروه های سوسیال دفرمیست
و نیز در نظر گرفتن این امر که حزب توده
و اکثریت در قبال هدف انقلاب چه
نقشی بازی میکنند بد رستی گرایش
طبقاتی آنها و نیز جایگاه آنها را در
صف بندیهای موجود تعیین نمود
بود اما از آنجا که در قطعنامه گفته شده
است که این احزاب و سازمانها
۳ اکنون از ضد انقلاب حاکم حمایت
میکند میتوانست مورد این برداشت
نادرست قرار گیرد که گویا در صف ضد
انقلاب قرارند ارند اکنون تصریح
میشود که منظور قطعنامه اینست که
حزب توده ها اکثریت ۳ اکنون در صف ضد

انقلاب قرار دارند

رفقا! پلنوم اخیر سازمان و برخورد
جدی و انتقادی که با مسائل و مشکلات
سازمان صورت گرفت معطیر غم ستایش
از قهرمانی ها و از خود گذشتگی ها و
فداکاری بسیاری از رفقا در و رانی که
سازمان از سوی عناصر فرصت طلب از
درون و از سوی رژیم جمهوری اسلامی از
بیرون در معرض حمله و تهدید قرار
گرفته بود ، با این وجود ذره ای گذشت
نسبت به ضعفها و کمبود ها صورت
نگرفت نشان دهند مروحیه لنینی در
درون سازمان است که از بحث و
برخورد با نقاط ضعف خود با کسی
ندارد ، دلیل قدرت و قوت ما در
اینست که این نقاط ضعف را به بحث
میکذاریم و می آموزیم که بر این اشکالات
فائق آئیم .
رفقا! اکنون پس از یکسال از
برگزاری کنگره ، ترمیم بخشهای ضربه
خورد هتشکیلات و در سن آموزی از -
تجارب و اشکالات موجود با عزمی
راست و با ایفای خلل ناپذیر ، با تکیه
بر استراتژی و تاکتیکهای انقلابی

سازمان ، تلاش جدیدی را آغاز
میکیم . فعالیت سازمان در سطح
کنونی آن بهیچوجه در خور سازمان
مانندت باید با طرح شعار مرگ
بقای منفعل ، زند ه باد بقای رزمند
حرکت سیاسی سازمان را بد
نویسی مطرح کرد . ما ایمان داریم
در راه های کارگران و کسبه زحمتکش
بر مشکلات فائق خواهیم آمد . اما
راه تمام رفقای تشکیلات و کمیته
هواداران سازمان چه آنها که در
نبرد رویاروی بیاد زخمیان رژیم بشها
رسیدند وجه آنهاست که در رژیم
سخت ترین شکنجه های قرون وسطا
رژیم جان باختند و یا به جوخه اعدا
سپرد هشدند و یا اکنون در زند آنها
رژیم بسر میبرند برد و ش ما قرار گرفت
است . تمام انرژی ، توان و نیروی خ
را برای غلبه بر مشکلات و حرکت فعال
سیاسی سراسری بکار گیریم . تمام
رفقای سازمان وظیفه دارند که با هر گ
روحیه انفعال مبارزه کنند و هر گونه
مانعی که بر سر راه حرکت آنها وجود
دارد سریعاً به مرکزیت سازمان گزار
کنند .

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



ورسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۱۰

اعتراضی گزارش شده

کل اعتصاب بود است . رجوع بد اول (منتشر در کار ۱۶۱) نشان هد که از میان همین اعتصابات در اهدوم سال ۶۰ ، پیش از ۶۰٪ صابات اقتصاد ی وبقیه آنها عمدتاً تل ترکیبی از خواسته های اقتصاد ی و اسی و تنها گاهی سیاسی بود هاند . ۶ ماهه اول سال ۶۱ ، اگر چه بظاهر سبب اعتصابات با برخی خواسته های اسی اعتصابات با خواسته های اسی و اقتصاد ی - سیاسی ، تغییر ائی مشاهده نمیشود ، لیکن وقت و تحوی بیشتر در جزئیات ایمن صابات نتایج ارزش مند یر ابد ست هد : اینک در ۶ ماهه اول سال ۶۱ سبت ۶ ماهه قبل از آن ، خواسته های یادی کارگران بمراتب بیشتر ملت تنها جمی بخود میگیرند در حالی پیش از این در ره ، نسبت اعتصابات یادی تدافعی به تنها جمی ر قلم گیری رانشان میداد . بعبارت گرز زمینه خواسته ها و اعتصابات صادی مربوطه ، در شش ماهه اول ل ۶۱ در مقایسه با قبل با در صد ستی از اعتصابات اقتصاد ی بر - فوریم که در طی آنها ، کارگران اهان دستهایی بیک خواست صادی ونه صرفاً جلوگیری از کاهش ایط قبلی بود هاند (مثل تقاضا ی افزایش دستمز در مقایسه با جلوگیری از کاهش آن و . . .) هر د که همچنان خواسته های تدافعی بها جمی بیشتر است .

بطور کلی میتوان گفت که در سال ، سلاح اعتصاب بیشتر مورد تغار قرار گرفته و خواسته های بیشتر به تنها جمی بخود گرفته است . ته همچنان عمدتاً خواسته های گران و مضمون اعتصابات ، جنبه صادی در اید لیکن باید بخاطر شت که اینگونه اعتصابات از جنبه ارك برای اعتصابات سیاسی اسی میت فوق العاده ای دارند . خصوص در شرایط دیکتاتوری عربیان روشی اشکال و مضمون مبارزات یار سریع میتواند صورت گیرد . یکی گراز عوامل مهم در ره رسی چگونگی انسیل اعتصابات طول مدت صابات است . متاسفانه لاعات ماد ر زمینه طول اعتصابات

رخداد فوق العاده اندک است و به این ترتیب امکان مقایسه این دو دوره شش ماهه یا ارزیابی دقیقتری وجود ندارد . و تد اوم یا تزلزل و ائی و کوتاه مدت بودن اعتصابات وجود ندارد . ولی گما پیش میتوان با اطمینان گفت که حد اکثر طول اعتصابات در این دوره چند ساعت یا چند روز (کمتر از یک هفته) میرسید که اغلب با یورش پاسداران سرمایه ر هم شکسته شد هاند . اما نکته حالب توجه اینست که مبارزات کارگران کارخانه ها علیه ر غم ناپیوستگی و موا جبهه بایی برنامه گی ، نداشتن سازماند هی و رهبری سوسیال د مگراتیک و انقلابی که اکثریت قریب به اتفاق موارد ، و علیه ر غم سرکوبهای مقطعی ، پس از مدتی باز هم ادامه یافته است و در موارد ی حتی در سطحی بالاتر .

یاد آوری این نکته نیز در ره رسی اعتصابات ضروری بنظر میرسد که در سال ۶۱ رژیم با بحر انهای شدیدی از نظر اقتصاد ی بخصوص بلحاظ تهیه مواد اولیه کارخانجات از خارج در نتیجه نداشتن ارز کافی و . . . مواجه بود و اقتصاد کشور ر کور بیشتری را متحمل بود هاست و خیل بیکاران نسبت بسال ۶۰ بیشتر شده است . در چنین شرایطی رشد نسبی - هر چند نده چند ان قابل توجه مبارزات کارگری به نسبت ۶ ماهه دوم سال ۶۰ نشان از توان مبارزاتی ، آگاهی و اتحاد بیشتر کارگران کارخانه ها و صنایع دارد .

در گزارشات واصله ضمناً به موارد زیاد ی بر میخوریم که در یک کارخانه ، اعتصاب صرفاً یک قسمت را شامل شده و نه تنها کارگران سایر کارخانه ها بلکه کارگران سایر قسمتهای همان کارخانه هم یا از جریانی بی خبر ماند هاند و یا اطلاعات اندک در اشته اند . مثلاً بعد از اخراج چند کارگزار راه آهن رفیقی در گزارش خود مینویسد : . . . آن پیوند میان کارگران و کارمندان که برای مبارزه لازم است در دست نیست ، علامتعد از کمی از آنها از اخراج کارگران مطلع شده هاند . " و اعتصاب راه آهن در مرداد ماه با وجود خواسته های مانند انحلال انجمن اسلامی ، افزایش دستمز و بازگشت اخراجیون ، بنیادین میرسد بدون آنکه مورد حمایت فعال کلیه کارگران قرار گرفته باشد . وقتی از کارگری علت را میپرسید نند گفت : " ما خبرند اشتیم . بهر حال ضعف سیستم تبلیغی و خبری در حرکات کارگری بخصوص در اعتصاب

کاملاً موثر است . این همه نشان دهنده نبود یا ضعف پیشرو در رهبری و - سا زماندهی مبارزات کارگری ، بویژه اعتصابات است که بخصوص با توجه به زمینه مساعدی که در شرایط کنونی وجود دارد اگر اینگونه حرکت های اعتراضی کارگری بحال خود رها شوند و هدایت انقلابی نگردند ، این امر میتواند ضربات جبران ناپذیری بر جنبش طبقه کارگر و در نتیجه جنبش انقلابی ایران وارد آورد .

۵- مجازات مزدوران رژیم

سال ۶۱ بار شد عنصر قهر در مبارزات کارگران و زحمتکشان همراه است . اخراج و دستگیریهای بی در پسی ، جاسوسی آشکار و بی پرد همزدوران رژیم ، حضور مستقیم نیروهای نظامی رژیم در مبارزات ، بر بسترفشار طاقت فرسای کاروندگی ، توده ها و بالا خص کارگران راه و اکنش متقابل برمی انگیزد و مجازات جاسوسان و عناصر ضد کارگر که در سال ۶۰ در موارد معدودی (از جانب خود کارگران) اعمال میشد ، در سال ۶۱ بمراتب بیشتر میشود . کارگران ، مزدوران و جاسوسان رژیم زاد موارد ی بشد متضروب میکنند در حالیکه از این مقطع به گزارش چند یمن مورد از ترور مزدوران نیز توسط خود کارگران برمی خوریم . در زمستان ۶۰ در مینوگره های از کارگرها بسیجی که مسئول تقش کیف زنان بود ، آنان ماه همان سال کارگران استار لایت ناظمه قسمت را که جاسوسی میکرد و کارگران شوفاژ کار ، مدیر کارخانه راشدت گتک میزنند . در سال ۶۱ در نومد یر عامل در دواب آهن یک کارگر فالانو ونیکسی مد یر عامل ، در راه آهن مهندس عضو انجمن اسلامی ، در خاک سفید مزدوران سپاهوزاند ارمی ، در کشتار گاه هیئت مد یر سازشکار سندیکا ،

در رنگ سازی کارگر حزب اللهی که جاسوس مد یر بود و . . . توسط کارگران مضروب میشوند . تهدید و هشداریه عوامل و مزدوران رژیم و تهیه لیست سیاه از آنها برای اینک بعد ا حسابشان را بر سندن ، بعنوان روشی در مقابل عوامل رژیم و التیما توم دادن به آنها رصی آید .

ایجاد اعمال خشونت ، ضرب و حرج عناصر ضد کارگر و کارگران حزب اللهی ، رژیم را به عکس العمل وامیدارد و در تیر ماه همین سال توکلی وزیر کار طی اطلاعیه ای که در اطلاعات بچاپ رسید اینگونه اعمال علیه کارگران حزب اللهی بقیه در صفحه ۲۰

امحکوم میکند .
در بررسی ابعاد مختلف این شکل مبارزه ، سه نکته برجسته است : الف - تخاصی افراد ی که مورد ضرب و جرح قرار گرفتند افراد ی ضد کارگر نبود مورد سرکوب مبارزات نقش فعال و ویژه ای داشتند یا عامل اخراج بودند یا در اخراج ولو در آن کارگران و احتمالاً دستگیر شدن آنها نقش داشته اند .
از همین رو در کلیه موارد حرکات مورد حمایت و تشویق کارگران در برقرار گرفته است . در رنویس از اخراج ۷ کارگر ، کارگران مدبر عامل را پس از تک مصلی از کارخانه بیرون میکنند . در همین کارخانه یکی از کارگران را با خاطر توهین به پیش نماز لومید هد و باعث میشود که آن کارگر دستگیر شود . روز بعد کارگران ، کارگر جاسوس را پس از تک مصلی از کارخانه بیرون میکنند .
در گزارش در مورد ترور آراسته حزب الهی ضد کارگر کارخانه جنرال آمد است : یکی از کارگر آن عکس او را از دیوار کند و پاره کرد . کارگران دیگر ترور او را تأیید میکردند و می گفتند که هر کس ضد کارگر باشد باید مثل او ترور شود .

ب - مجازات این عناصر در صورت بخاطر نقش فعالی که در سرکوب کارگران داشته اند در شرایط شرکت و حرکت جمعی کارگران در اغلب موارد گزارش شده ، در راه گشائی مبارزات کارگران تأثیر داشته است . در مهرماه ۶۱ در بخشی که بین یکی از کارگران رابط مدبریت با چند کارگر در رنویس سازی در میسرود ، به سبب حمایت آن کارگر از مدبریت ، کارگران سرش میریزند و حسابی کتکش میزنند و چون این حرکت مورد پشتیبانی اکثر کارگران قرار میگیرد ، حزب الهی ها بوحشت افتاده اند .
در رنویس پس از تک خوردن مدبر ، او عوض میشود و مدبر عامل جدید از ترس از دفترش بیرون نمی آید .

ج - کارگرانی که عامل حرکت هستند در وجه غالب غیر تشکیلاتی بود و از کارگران میانه میباشند که بصورت خود بخودی ، آبی و بی برنامه حرکت میکنند و در موارد متعدد ی خود اخراجی بودند . از شرکت کارگران پیشرو و هدایت چنین حرکتی توسط پیشاهنگ انقلابی ، مورد ی گزارش نشده است . حرکات استمرارند آرند و در هیچ مورد ی تدوم و حرکت به ایجاد تشکلهای نظامی نیا انجامید است .

باید توجه کرد ، در شرایطی که

پروسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۶۹

مجازات و حتی در مواردی ترور عناصر ضد کارگر در میان کارگران بعنوان - شکلی از مبارزه با کارگرفته میشود ، عدم حضور نیروهای پیشرو و آگاه بخصوص انقلابیون کمونیست که میبایستی به اینگونه اعمال سمت و سودا در آنها را در جهت مبارزاتی صحیح ، در خدمت اعتصاب عمومی سیاسی و تدارک قیام کانالیزه نمایند ، اینگونه حرکات بتدریج به هر زرفته میتوانند به انارشیسم و روش های خرد میوزوای مبارزه تبدیل گردند و نیروی کارگران را تضعیف نمایند . مثلاً اینکه مدبر عامل یا مهندس انجمنی که به انجمنی گوناگون در سرکوب و تضعیف حقوق کارگران نقش دارند مضر و شونده ، اگر چه میتواند در خدمت شکستن روحیه یاس و تدافعی توده کارگران قرار گیرد لیکن اگر بخودی خود زرها شود یا بهر امان آگاهش نباشد که صرفاً و تنها با تدلی خالی کردن و کتک زدن این عناصر هم کاری آزیبیش نمیرود و آن آقای مدبر عاملی که از دفترش بیرون نمی آید ، یا ز به استعمار و سرکوب آنها به انجمنی گوناگون ادامه خواهد داد ، حتی ممکن است بضر خود بدل گردد و پس از مدتی که توده کارگران همچنان خود را در وضعیت سابق می بینند به سر خوردگی و یاس بیشتری دچار گردند . به همین منظور لازمست تا بخصوص عناصر پیشرو و مبارز کمونیست در عین شرکت در مبارزات کارگران ، بهنگام بیکار گیری عنصر قهر در این مبارزات - آنجا که اینکار در خدمت مبارزات کارگران قرار میگیرد - آنرا سمت و سودا در هتلاش کنند . کارگران آموزشهای لازم را در بکاربرد قهر در مبارزات خود ، برای مبارزه با اعتصاب شکنان ، برای تدارک نظامی قیام ببینند و تشکلهای لازم را از میان و در جریان همین مبارزات ایجاد کنند که اگر اینکار در جریان همین حرکات شکل بگیرد و صورت نپذیرد ، بهنگام وقوع قیام دیگر خیلی دیر خواهد بود .

اشکال سرکوب

سرمایه داران و دولت حامی آنها

در یکسال گذشته باز ؟ روضی (باصله و صمف) برای سرکوب کارگران استفاده گردانند ، اخراج و دستگیری ، تهدید به اخراج و دستگیری ، ایجاد تفرقه برانگیزی و آوردن پاسداران درون کارخانجات - درشتی ماهه دوم سال ۶۰ اخراج و دستگیری و تهدید به اخراج و دستگیری در و شگل عمدتاً سرکوب بود اما در مقطع اخیر به گسترش مبارزات این سلاح سرکوب بهاندازه مقاطع قبل کارائی ندارد . مقاومت و ایستادگی کارگران در مقابل اخراج و دستگیری افزایش یافته است و حمایت فعالانه آنها از همکاران اخراجی خود به کار فرمایان و مدبران اجازه نمیدهد به آسانی کسی را اخراج کنند از همین رو بیش از پیش به نیروها نظامی متصل شده اند و با شیوه ها مختلف میگویند بین آنها تفرقه انداخته آنان را پراکنده سازند . کارگران مبارزان بین قسمتهای مختلف تقسیم میکنند ، رفتن کارگران در مسافراستراحت به قسمتهای دیگر را ممنوع کرده اند حتی وقتی کارگران جای خوردنی را برای رفتن به قسمتهای دیگر بهانه میکنند قبول میکنند همسایر امتیازات را در واحدهای خود شارب فراهم کنند ، با کوچکترین بهانه کارگران مبارزان را اخراج و بجای آنها کارگران جدید است خدا م میکنند ۲ ساعت به ۳ ساعت به قسمتها سر میزنند تا کسانی را که با هم حرف میزنند تنبیه کنند حتی در رینها از کارگران خواستند در ریانکهای خارج از محد کارشان حقوق دریافت کنند تا تاحم جله ی یک بیانک ایجاد نشود . انتقال کارگران از قسمتی به قسمتها ، در پی ریبی از آمدن در اعتراض کارگران به این امر باعث شد وحتی بی تفاوتها هم بعمدند که این حرکت توطئه ای بر علیه منافع آنهاست . کارگران نیز در مقابل این توطئه ها ساکت ننشسته مقاومت میکنند و در مواردی ضد تا کتک میزنند بعنوان مثال در گزارش آمد است : کارگران میگویند حاضر نخواهند شد به جرایم الاستخدامی ها (بسیجی ، جهاد . . .) کاریا بدهند و وجوه آنها را خطری برای اخراج خود شان در مواقع اعتراض و اعتصاب میدانند . آگاه کردن کارگران به تک تک شیوه ها شی که سرمایه داران برای پراکنده ساختن آنها بکار میبرند بهترین روش برای خنثی کردن این توطئه ها است .
مادر شماره آینده به مقایسه کوتاه مبارزات کارگران با دیگر اقشار خلق جمع بندی مبارزات کارگران و زحمتکشان و نقش پیشرو خواهیم پرداخت



گندم زارها
سوج
خون شد

برتر کمن صحرا مسلط
بد ، پسر بهرا هیبمائی ؟ ار بهمن
گنبد بورش پرد وزنان ونور کان رم
ون کشید ، گشت ارهای جمعی وجند
ذ ار علیه خلق رزمند هومقاوم ترکمن
نهم با تانک وتوپهای ۱۰۶ میلی
متری سا زمان داد ، دستاوردهای
بدار به زیر ضرب گرفت ، ستاد را
ان کرد وبما بقایمی دروخیمانسه از
ق ترکمن روی آورد وفرزند ان در لاور
ایکی پس از دیگری به جوخه های
ام سپرد ومدتی وقفه در مبارزه خلق
من را تحمیل نمود .

اینک سه سال از آن حماسه خلق
من ، از آن کشتار در منشا نهر رژیم
گذرد . هر چند که رژیم شوراهای
بق را برچید وشوراهای مزدور
لامی بجای آنها نشاند ، هر چند از
تنه های خلق پشتصا خت لیکن
رزه دادا عقیامت وخلق ترکمن با
مباری از تجربه انقلابی بردوش به
پیچ از آن شکست موقت بسر بیرون
آورد . صدها توماج ، صدها
توم ، واحدی و جرجانی به مبارزه
دی آورد وجای رهبران خویش را
بیکند . آید ه شور اوکشت شورائی
بوز زند هاست وزند ه خواهد ماننچو
انه های این رژیم شکوفه خواهد شد
بق رزمند ه ترکمن بهمراه یکن
بقای ایران بهمراه کارگران و
متکشان ، طومار ننگین رژیم را در هم
آهند پیچید وانگاه فریبنداد
آهند زد :

خلق ترکمن ، خلق ترکمن
وقان میکنند در دشت و دمن
خلق ترکمن ، خلق ترکمن
سان رامیدهد در راه وطن
بدم زارها سوج خون شد
مسان آبی گگون شد
من مال اوست کسی کار دش . . .

فدائی کیست

بقیه از صفحه ۲۲

است که اشکالات
وانحرافات زدود شد هوشور بهما در
صحنک آزمایش قرار گیرد . فدائیان
خلق طی یازده سال مبارزه خونبار
خود وبادرس آموزی از تجارب ارزنده
گلهر فقای شهید وهرروز
د ستاوردهای نوینی درام مبارزه
طبقاتی دست می یابند . واقعیست
اینست که با عمق یابی مبارزه طبقاتی و
گسترش پیوند توده های ، سازماندهی
نوین متناسب با وضعیت موجود
ضرورت می یابد دست یابی به این مهم
نه تنها درک همه جانبه واقعیست
موجود را می طلبد بلکه چگونگی تغییر

اخبار جنبش

بقیه از صفحه ۲۲

است . این مزدور بدلیل
اهمیتی که برای رژیم داشت از طرف
سپاه پاسد اران کردستان در نقشه
برای فراروی طرح ریزی شد ه بود . کسه
با هوشیاری پیشرگان خنثی شد .

برای اطلاع مردم مبارز و قهرمان
کردستان ، ایران وسراسر جهان از
حنایات مزدوران رژیم ، قسمتی از
بازجویی این مزدور را که به خط خود

واقعیست وحرکت در جهت حقیقت
یعنی آنچه یزی که مورد نظر انقلاب و
روند مبارزه طبقاتی است از اهمیت
ویژه ای برخوردار است و این امر نیز
صستیزم نفی د یالکتیکی ونه مکانیکی
اشتباهات گذشته است . کارنامه
۱۱ ساله سا زمان چنین روزی را نشان
میدهد . روند تکاملی سازمان از
جنبه تئوری وپراتیک محصول تلاش
دهها هزار رفیق فدائی شهید
است که چه در رژیم جنایتکار شاه وچه
در رژیم شبه فاشیست جمهوری
اسلامی در شکنجه گاهها ، در جوخه
های اعدام ودر راههای کارگران
وزحمتکشان جان باختند .
یاد همیشه شهدای خلق
گرامسی باد .

نگاشته است به چاپ میرسانیم .
از تظمی نیروهای انقلابی در مکررات
وضدا صبر بالیست سراسر جهان
میخواهیم که به این صند گویا ی رژیم
توجه نمود هوبا افشا هر چه بیشتر چهره
کریمه جمهوری اسلامی در سطح
بین الطلی ، فشارهای مختلف را برای
بازداری از اینگونه اعمال جنایتکارانه
رژیم وارد نمایند .

قسمتهائی از متن اعترافات محمد
علی محمدی که اصل صند در ریگسای
کهل شماره ۱ بجای رسیده است :

س - بطور کامل خود را معرفی کن
ج - نام ، محمد علی نام خانوادگی محمدی نام پدر محمد حسن
عضو حزب جمهوری اسلامی بابل از سال ۷۰ در بخش تبلیغات و
تحقیقات ودر کردستان مسئول گروهان پایگاه حر - سقز
س - قبل از اعزام بکردستان در کجا و با چه عنوانی فعالیت میکردید ؟
ج - در بابل تبلیغات ودر واحد بسیج فعالیت میکردم .
س - در دستگیری و شکنجه نیروهای انقلابی چه نقشی داشتید ؟
ج - توسط جاسوسها محل خانه تیمی را کشف میکردیم برای نمونه در
شهر بابل ویکی در د سلطان محمد طاهر آنها را دستگیر و شکنجه
انیت وازاروتجاوز وبه سپاه تحویل میدادیم کلا در محاصره چهار
خانه تیمی شرکت داشتم و تمامجا هدین و وتاد یگر یگار و وتاد ختر
که به آنها تجاوز کردم چهار تا پسر که به آنها نیز تجاوز کردم .
س - آیا شخصاً در جوخه های اعدام نیروهای انقلابی شرکت داشتید ؟
ج - بله در تاریخ تابستان ۹۰ چهار نفر در قصر بابل ودر نفر ختر در
سپاه بابل بعد از تجاوز آنها را اعدام میکردم از چهار تا پسر و تاد
هوادر یگار چهار تا بقیه مال مجاهدین .
س - چه مدت است و با چه عنوانی در کردستان فعالیت میکنید ؟
ج - از تاریخ ۶۰/۱۱/۱۰ بعنوان بسیج و بعد از مدتی مسئول
گروهان در شهر سقز .
س - طی این مدت که در کردستان بودید چه نقشی در سرکوب خلق
کرد داشتید ؟
ج - در حمله به روستاها که مسئول گروهان بودم با پیشرگان درگیری
داشتم . مثلاً در چهار عملیات ۱ - خورخوره ۲ - گلینه ۳ - یکی
از آبادی دیواندره تهریز خانون ویاپال ۴ - باغ لوجه و بخت هکندی
شرکت داشتم و مسئول گروهان بودم .

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

گرامی یاد خاطره فدائی کبیر
معمود احمد زاده
عضو کادر مرکزی سازمان
و رزمنده فدائی



تئوریسین های برجسته سازمان بود که تئوری مبارزه مسلحانه را در جزوه ای تحت عنوان مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک تدوین نمود. گرچه تحلیل رفیق از ساخت جامعه و حاکمیت کاملاً اصولی بود اما بدلیل اینکه رفیق معتقد بر وضعیت انقلابی بود ، به مبارزه سیاسی عملیهای لازم را ننمود . این ضعف بعد ها در پروسه حرکت سازمان تصحیح گشت و این خود بسیار این واقعیت بود که تنها در مبارزه انقلابی و شرکت عطا و در مبارزه طبقاتی بقیه در صفحه ۲۱

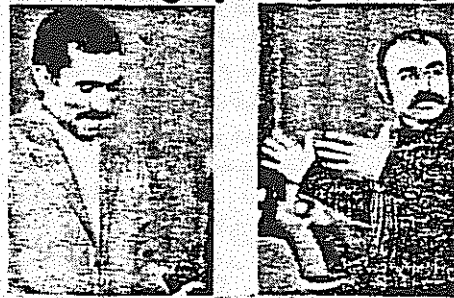
در صحرگاه خونین دهم و یازدهم اسفند ماه ، قلب تپنده ، رزمنده فدائی اماج گلوله های درخیمان رژیم شاه قرار گرفت و در حالیکه سرود رهائی کارگران و زحمتکشان را بر لب داشتند ، نوید پیروی خلق را میدادند . رفقا معمود و مجید احمد زاده و عباس و اسد الله مفتاحی ، حمید توکلی سعید آریان ، غلام ضاگلو ، بهمن آژنگ ، مهدی سوالائی ، عبد الکریم حاجیان ، پس از شهیدای سیاهکسل از جمله اولین شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بودند در میان این رفقا رفیق معمود احمد زاده و رفیق عباس مفتاحی از اعضای کادر مرکزی سازمان بودند که اولیسن تلاش را در جهت بنیانگذاری سازمان بعمل آوردند . رفیق معمود یکی از

گرامی یاد خاطره چهاررزمند مخلق
ترکمن ، چهار فدائی خلق
توماج ، معقوم ، واحدی و جرجانی
گندم زارها موج خون شد



در آن هنگام که خلق رزمند هوستاد شورا های خلق ترکمن گرامی داشت حماسه سیاهگل را به تدارک نشسته بودند تا بیوند خویش را با جنبش نویر کمونیستی ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق گرامی دارند ، مزدوران و آدم ربایان و پاسداران شهاب زاده چهار رفیق قهرمان ، جهت فرزند دلاور خلق ترکمن ، رهبران ستار شوراها را ربوندند ، در کشید و او بر وحشیانه شکنجه کردند ، تا جاییکه به گارشان بستند و بیکرهایشان را در جاده های اطراف کشید ، ره ساختند و وقتی جانمندی شدند که در ضمن انتقال آنها به کشید ، جریان مرمره پاسداران حمله کرده آنها را ربود هوسپین بقتل رسانده است سازمان در آن هنگام پرده از روی این توطئه بر گرفت و ثابت کرد که چگونه رژیم جنایتکار و عوامل سرسپرد هاشم چون محسن رفیق دوست (وزیر فعلی سپاه) خلخال و تعدادی دیگر از جلادان رژیم به چنین جنایاتی دست زده اند . اما ، رژیم تصمیم را گرفتند یاقدرت خلق و یاضد خلق وض انقلاب میایستی بقیه در صفحه ۲۱

فدائیان شهید گلرخی و دانشیان جاودانه اند



د وفدائی خلق ، خسرو گلرخی و کرامت دانشیان در صبح روز ۲۸ بهمن سال ۱۳۵۴ پس از تحمل شکنجه های وحشیانه در دخیمان شاه و مقاومت انقلابی و سرسختانه شان و در پی پختن مستقیم قسمتی از مصاحبه را یو - تلویزیونی خسرو گلرخی که رژیم را در مقابل عمل انقلابی و غیر منتظره ای قرار داد و چهره جنایتکاران را در پیشگاه خلق افشاء نمود ، به جوخه اعدا مسپرده شدند . خاطره شان گرامی باد .

را در شدند به اعدام انقلابی محکوم گردیدند .
۱- محمد علی محمدی ۲- اصفیر بدخشان ۳- عبدی فتحی ۴- محمد رضا افیض آزا
محمد علی محمدی عضو سپاه پاسداران ارتجاع ، عضو حزب جمهوری اسلامی و از افراد فالانژ حزب اللهی شهر بابل بود و تاکنون در یک سلسله عملیات ضد انقلابی از قبیل اعدام انقلابیون ، تجاوز به انقلابیون در زندان رژیم ، سرکوب خلق کرد شرکت فعال داشته بقیه در صفحه ۲۱

جنبش انقلابی خلق گورد
چهارمزدور جمهوری اسلامی پس از محاکمه اعدام انقلابی گردیدند چهارتن از مزدوران رژیم که در جنایات مختلف شرکت مستقیم داشته و پس از دستگیری نیز علی رغم تلاش پشمرگان ، غیر قابل اصلاح تشخیص